

دوفصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش سیاست نظری»

شماره شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳: ۱۶۵-۲۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۱۳

تبیین نسبت شکاف‌های اجتماعی و وحدت ملی در ایران

علی اصغر قاسمی*

چکیده

حفظ و تقویت وحدت و همبستگی ملی، یکی از مهم‌ترین اولویت‌های تمام نظام‌های سیاسی است؛ زیرا افزایش ضریب همبستگی ملی باعث کاهش تهدیدهای داخلی و خارجی و مآلاً فراهم شدن زمینه‌های مناسب برای توسعه و پیشرفت کشور می‌شود. ایران از جمله کشورهایی است که با اتکا به پیشینه تاریخی و تمدنی خود در طول قرن‌های متمادی توانسته است بر چالش‌های معطوف به واگرایی غلبه کند، به نحوی که علی‌رغم اشغال این کشور و نیز انتزاع بخش‌هایی از سرزمین پهناور آن، همواره در طول تاریخ به عنوان یک واحد سیاسی قدرتمند، مستقل و دارای حاکمیت فراگیر به حیات خود ادامه داده است. در چند دهه اخیر نیز وحدت و همبستگی ملی بیش از پیش در معرض چالش‌های داخلی و تهدیدهای خارجی قرار گرفته که از جمله مهم‌ترین چالش‌های داخلی فعال شدن برخی شکاف‌های اجتماعی در مقاطعی از زمان بوده است. این مقاله بدون انکار، نقش تهدیدهای خارجی در تضعیف وحدت ملی بر عوامل داخلی تمرکز کرده و می‌کوشد نسبت چهار شکاف اجتماعی عمده در ایران (شکاف نسلی، جنسیتی، قومی و مذهبی) را با ابعاد مختلف وحدت و همبستگی ملی (ابعاد دینی، سرزمینی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی) بررسی کند. روش مورد استفاده در این مقاله، روش تحلیل ثانویه یافته‌های پژوهشی و مقطع مورد بررسی دهه ۱۳۹۰-۱۳۸۰ است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد بین دو سر طیف‌های معطوف به شکاف‌های اجتماعی درباره ابعاد مختلف وحدت و همبستگی ملی اختلاف نظر جدی وجود ندارد و هم‌گرایی ملی در ایران از سطح مناسبی برخوردار است.

واژه‌های کلیدی: ایران، وحدت ملی، شکاف‌های اجتماعی، توسعه، تحلیل ثانویه.

مقدمه

وحدت و همبستگی ملی، یکی از ابعاد و مؤلفه‌های امنیت و اقتدار ملی و از جمله پیش‌شرط‌های اصلی نیل به توسعه و پیشرفت در همه کشورهای است. این موضوع در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، به‌ویژه با آغاز مبارزات استقلال‌طلبانه ملت‌ها اهمیت بیشتری یافته و جایگاه مهم‌تری در ادبیات سیاسی پیدا کرده است. ایران نیز از جمله کشورهایی است که با وجود اینکه از تاریخ طولانی و تمدن کهنی برخوردار بوده و هیچ‌گاه مستعمره کشور دیگری نبوده، حفظ وحدت و همبستگی ملی و مقابله با تهدیدات معطوف به آن، همواره از دغدغه‌ها و مسائل مبتلا به آن کشور بوده است. این مهم در تاریخ معاصر به‌ویژه در چند دهه اخیر با گسترش فرآیند جهانی‌شدن، افزایش تهدیدهای خارجی و فعال شدن برخی شکاف‌های اجتماعی، جایگاه مهم‌تری یافته است. در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت وحدت و همبستگی ملی در ایران از دو ناحیه تهدید می‌شده است: اختلافات داخلی و مداخله خارجی. این مقاله بدون انکار نقش مداخلات بیگانگان در تضعیف همبستگی ملی در ایران، قصد دارد بر عوامل تهدیدکننده داخلی وحدت ملی در مقطع زمانی دهه هشتاد (۱۳۸۰-۱۳۹۰) تمرکز کرده و نسبت شکاف‌های اجتماعی (شکاف‌های نسلی، قومی، جنسیتی و مذهبی) را با ابعاد مختلف وحدت و همبستگی ملی تبیین کند. بنابراین سؤال اصلی عبارت است از اینکه:

- در مقطع زمانی ۱۳۸۰-۱۳۹۰، شکاف‌های اجتماعی چه نسبتی با ابعاد وحدت و همبستگی ملی در ایران داشته است؟

وحدت و همبستگی ملی

«همبستگی» یا «انسجام» ملی مانند بسیاری از مفاهیم رایج در علوم انسانی، ماهیتی پیچیده، چندوجهی و میان‌رشته‌ای دارد. چنان‌که دامنه بررسی آن از جامعه‌شناسی و علوم سیاسی تا مطالعات فرهنگی و روان‌شناسی اجتماعی گسترده است. عدم استقلال مفهومی «همبستگی ملی» یا «انسجام ملی» در نزد برخی نویسندگان، تا بدانجاست که معنایابی آن را تنها در رابطه تنگاتنگ با پاره‌ای مفاهیم همچون وفاق ملی، انسجام اجتماعی، هویت ملی، اجماع ارزشی و... توصیف کرده‌اند.

کسانی که از دیدگاه جامعه‌شناختی به همبستگی ملی پرداخته‌اند، انسجام و پیوستگی ملی را کامل‌ترین و توسعه‌یافته‌ترین مرحله پیوند اجزای مختلف یک جامعه دانسته‌اند. این جامعه‌شناسان، سه فرایند عمومی و مرتبط با یکدیگر برای جامعه قائل هستند: فرایند تجمع، فرایند تفکیک یا تمایز یافتگی و فرایند پیوستگی یا انسجام. آنان معتقدند افراد یا کنشگران اجتماعی بر اثر متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی در کنار هم قرار گرفته و یک تجمع انسانی را شکل می‌دهند، ولی در این میان، نیروهای مادی و معنوی و سیل قدرت‌طلبی انسان‌ها و رقابت و تخصصی شدن امور و فعالیت‌ها، میان افراد یک جامعه تمایز به وجود می‌آورد و افراد به گروه‌ها و اقشار مختلفی با دامنه‌های خانوادگی، جنسی، شغلی، قومی و نژادی تقسیم می‌شوند. این گروه با اعمال سلطه بر رفتار افراد درون گروه، آنها را مقید به رفتاری خاص و پیروی از هنجار معینی می‌کنند. در واقع پیدایش گروه‌ها سبب پیدایش نظام نمادین خاصی می‌شود که دربردارنده تمامی ارزش‌ها، هنجارها، سبک رفتار، نحوه زندگی و ارتباطات است. افزایش گروه‌ها به سبب تمایز یافتگی و تکثر نظام اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، سبب شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌های زیادی می‌شود و تبعات پیدایش خرده‌فرهنگ‌ها، ما را به اهمیت وحدت یا همبستگی میان گروه‌ها متوجه می‌سازد. به این جهت مسئله‌ای به نام وفاق یا همبستگی مطرح می‌شود که پیونددهنده میان واحدهای اجتماعی متمایز است (افروغ، ۱۳۸۳: ۱۵۶).

برخی دیگر از صاحب‌نظران، همبستگی ملی را با توجه به هویت تعریف کرده، آن را احساس تعلق خاطر و تعهد مشترک افراد به اجتماع ملی یا آن «ما»ی بزرگی می‌دانند که به افراد هویت جمعی می‌بخشد. از نظر این دسته از متفکران، دستیابی به انسجام یا همبستگی ملی بدون وجود شرایط ذهنی و عینی مولد آن امکان‌پذیر نیست. وجود بنیادهای اتحاد ملی نیز بدون دخالت عنصر آگاهی‌بخش، به خودی خود باعث شکل‌گیری و تبلور عینی اتحاد نمی‌شود. در حقیقت این عنصر آگاهی‌بخش است که مجموعه شرایط عینی همبستگی ملی را به شکل هویت ملی درآورده و زمینه‌های ذهنی اتحاد و انسجام ملی را فراهم می‌سازد. به این ترتیب، تحقق همبستگی ملی و تجلی آن، به آگاهی از هویت ملی و شناخت آن بستگی دارد (احمدی، ۱۳۸۶: ۲۴).

- هرچند درباره مبانی همبستگی ملی بین اصحاب و عالمان رشته‌های مختلف اختلاف نظرهایی وجود دارد، در مورد ابعاد وحدت و همبستگی ملی اجماع نظر نسبی مشاهده می‌شود. هر چند نمی‌توان انکار کرد که هر یک از این صاحب‌نظران به تناسب رشته خود بر یک یا چند بعد خاص از ابعاد وحدت ملی تأکید می‌کنند. در این مقاله ابعاد دینی، سرزمینی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی همبستگی ملی مد نظر قرار گرفته و شاخص‌های زیر برای تبیین نسبت شکاف‌های اجتماعی با وحدت ملی مطالعه شده است:
- بعد دینی: دین‌داری در ابعاد مختلف اعتقادی، مناسکی، رفتاری و پیامدی و نیز هویت دینی (خود را دین‌دار دانستن).
 - بعد سرزمینی: افتخار به ایرانی بودن، تمایل به حضور داوطلبانه در جبهه در صورت وقوع یک جنگ ناخواسته، تمایل به مهاجرت از ایران برای همیشه و نهایتاً تعصب ایرانی.
 - بعد اجتماعی: احساس وجود عدالت اجتماعی در جامعه، احساس وجود اعتماد اجتماعی در جامعه (اعتماد عمومی و اعتماد به مشاغل مختلف) و نهایتاً مشارکت عمومی مردم در انجمن‌ها و تشکل‌های صنفی، مدنی و سیاسی.
 - بعد سیاسی: میزان اعتماد مردم به اصل نظام، نهاد‌های سیاسی و کنشگران و مسئولین نظام، احساس پاسخگویی مسئولین، احساس امنیت سیاسی شهروندان، ارزیابی عملکرد اقتصادی نظام.
 - بعد فرهنگی: تاریخ مشترک، زبان فارسی و عملکرد رسانه‌ها.

شکاف‌های اجتماعی

سنخ‌شناسی شکاف‌های اجتماعی

صاحب‌نظران جامعه‌شناسی سیاسی، شکاف‌های اجتماعی را از حیث فعال یا غیر فعال بودن به سه دسته تقسیم می‌کنند: شکاف‌های فعال، نیمه فعال و غیر فعال. شکاف‌های فعال، آن دسته از شکاف‌های اجتماعی هستند که نیروهای سیاسی بر محور آن تجهیز یا بسیج می‌شوند. شکاف‌های نیمه فعال، شکاف‌هایی هستند که در یک مقطع زمانی خاص، فعال و در مقاطع دیگر غیر فعال هستند. منظور از شکاف‌های خفته

۱۶۹ / پژوهش سیاست نظری، شماره شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ —————
یا غیر فعال هم آن دسته از شکاف‌های اجتماعی است که واجد پتانسیل‌هایی برای
بسیج سیاسی هستند، ولی در حال حاضر نیروهای سیاسی بر محور آنها تجهیز نشده‌اند
(بشیریه، ۱۳۸۲: ۱۰۳).

شکاف‌های اجتماعی در ایران

بررسی‌ها نشان می‌دهد در مقطع زمانی مورد مطالعه این مقاله، چهار شکاف
اجتماعی در ایران اهمیت زیادی دارد. البته با اهمیت بودن آنها الزاماً به معنای فعال
بودن نیست.

- شکاف نسلی: با توجه به جوان بودن جمعیت ایران.
- شکاف جنسیتی: با توجه به افزایش سطح آگاهی‌ها و حضور رو به رشد زنان در
عرصه‌های سیاسی و اجتماعی کشور.
- شکاف قومی: ایران واجد شش هویت عمده قومی فارس، آذری، کرد، لر، بلوچ و
عرب است. هر چند برخی هویت‌های قومی کوچک‌تری چون قشقایی، ترکمن،
بختیاری و... را نیز برشمرده‌اند.
- شکاف مذهبی: حدود هفت میلیون نفر از هم‌وطنان ایرانی را اهل سنت تشکیل
می‌دهند.

روش پژوهش

در این بررسی برای دستیابی به داده‌های قابل اتکا برای تبیین تأثیر شکاف‌های
اجتماعی بر وحدت ملی، از روش تحلیل ثانویه یافته‌های پژوهشی استفاده شده است.
تحلیل ثانویه، یکی از کارآمدترین روش‌ها در سیاست‌پژوهی است که از اطلاعات موجود
استفاده می‌کند. در این روش، پژوهشگر خود به تولید داده‌های مورد نیاز پژوهش از
طریق روش‌هایی مانند پرسش‌نامه و مصاحبه و... نمی‌پردازد، بلکه به تحلیل مجدد
داده‌های موجود اقدام می‌کند. تحلیل ثانویه هنگامی استفاده می‌شود که مجموعه
داده‌های مناسبی وجود دارد و پژوهشگر کیفیت آنها را قابل قبول می‌داند. تحلیل مجدد
داده‌ها بر حسب اقتضای پژوهش و نوع داده‌ها با روش‌ها و تکنیک‌های متعددی انجام
می‌شود. به عنوان نمونه، دامنه اعمال آماری که می‌توان با استفاده از تحلیل ثانویه انجام

داد، از ارزیابی روابط دومتغیره ساده تا مدل‌سازی‌های پیچیده متغیر است (ماژرزاک، ۱۳۷۹: ۶۶). در واقع این پژوهشگر است که بسته به پرسش پژوهش، ساختار تحلیل ثانویه و مراحل آن را تعریف و اعمال می‌کند. در مطالعه حاضر از نتایج به دست آمده از چند پیمایش ملی و مقالات مستخرج از چند پایان‌نامه و طرح پژوهشی در تحلیل ثانویه استفاده شده و در راستای هدف مقاله تجزیه و تحلیل شده است.

نسبت شکاف‌های اجتماعی با بعد دینی وحدت ملی

در طول تاریخ، دین همواره یکی از عوامل مهم تقویت همبستگی ملی بوده است. بنابراین می‌توان انتظار داشت تضعیف یا تقویت هویت دینی و نیز دین‌داری مردم، ارتباط مستقیم و مؤثری با تقویت یا تضعیف وحدت ملی داشته باشد.

دوران جنگ تحمیلی، یکی از بهترین مصادیق نقش‌آفرینی دین در حفظ وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور است. در این برهه تاریخی که کشور با تهاجم بیگانگان مواجه شده بود، نظام سیاسی حاکم بر ایران توانست با بسیج نیروهای مردمی بر محور دین و مذهب، بخش‌های مختلف جامعه حتی اقلیت‌های دینی را به یکدیگر پیوند داده و از تمامیت ارضی کشور دفاع کند. نکته جالب اینکه جنگ عراق علیه ایران عمدتاً به بهانه‌های اختلاف مرزی و با تم کاملاً ملی شروع شد، اما این موضوع باعث نشد پتانسیل دینی و مذهبی مردم در خدمت دفاع از میهن قرار نگیرد. چتر هم‌گرایی و هم‌سازی بین بعد ملی و دینی هویت ایرانی در جنگ تحمیلی به قدری گسترانده شد که دفاع از تمامیت ارضی کشور محدود و منحصر به طیف خاصی از جامعه نشد و تمام بخش‌های جامعه اعم از پیر و جوان، زن و مرد، مسلمان و غیر مسلمان، شیعه و غیر شیعه، آذری و کرد، لر، عرب و بلوچ و... در دفاع از کشور هم‌صدا و هم‌قدم شدند.

این هم‌گرایی مولود و مرهون گفتمان انقلاب اسلامی بود که در عرصه نظری و عملی، این هم‌سازی را به رسمیت شناخته و به آن مقید و ملتزم بود. بنابراین می‌توان ادعا کرد دوران دفاع مقدس، یکی از دوره‌هایی بود که با الهام از گفتمان انقلاب اسلامی توانست شکاف‌های اجتماعی را با سیمان هویت دینی پر کند و انرژی حاصل از آن را در خدمت تقویت همبستگی ملی و دفاع از تمامیت ارضی کشور قرار دهد. بر همین اساس

می‌توان ادعا کرد اگر شاخص‌های هویت دینی و دین‌داری در کشور در سطح بالایی باشد، یکی از پایه‌های اصلی وحدت ملی قایم و استوار است. همچنین اگر یافته‌های میدانی نشان دهد، شاخص‌های دین‌داری و هویت دینی در دو سر طیف شکاف‌های اجتماعی تفاوت معناداری ندارند. می‌توان نتیجه گرفت دین باعث کمرنگ شدن و کم شدن فاصله شکاف‌های اجتماعی شده و احتمال اینکه شکاف‌های اجتماعی در جهت تضعیف وحدت ملی فعال شوند، اندک خواهد بود. با عنایت به این نکات در ادامه با نگاهی به نتایج برخی پیمایش‌های میدانی و با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل ثانویه، وضعیت دین‌داری و هویت دینی در کشور در یک دهه گذشته را تجزیه و تحلیل می‌کنیم:

پیمایش ملی فرهنگ سیاسی مردم، مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا)

در بخشی از این پیمایش که در سال ۱۳۸۴ با حجم نمونه ۵۰۰۰ نفر از افراد ۱۵ تا ۶۵ ساله سی استان کشور انجام و در سال ۱۳۸۵ منتشر شده، دین‌داری در ابعاد مختلف آن (اعتقادی، مناسکی، پیامدی و تجربی) سنجش شده است. یافته‌های این پیمایش نشان می‌دهد که در ابعاد اعتقادی و تجربی، بیش از ۹۵ درصد مردم به میزان زیادی دین‌دار هستند و در ابعاد مناسکی و پیامدی نیز میزان دین‌داری مردم از ۷۵ درصد بالاتر است. در ادامه به برخی از جزئیات این پیمایش اشاره می‌شود:

- در بعد اعتقادی دین‌داری، شاخص‌هایی چون اعتقاد به وجود خداوند، اعتقاد به ارسال پیامبران از طرف خداوند، اعتقاد به کتب آسمانی و اعتقاد به روز قیامت، مورد سنجش قرار گرفته و یافته‌ها نشان می‌دهد میزان دین‌داری مردم در این بعد حدود ۹۸ درصد است. به عبارت دیگر تنها دو درصد از مردم، بعد اعتقادی دین‌داری‌شان کم یا متوسط بوده است. نکته جالب اینکه آمارهای این شاخص در میان جوانان با میان‌سالان و بزرگسالان و نیز بین زنان و مردان تفاوت چشمگیری ندارد. تفاوت بعد اعتقادی بین جوانان با گروه‌های سنی بالاتر، حداکثر یک درصد و نیز بین زنان و مردان نیم درصد است.

جدول ۱- سنجش میزان دین‌داری مردم در بعد اعتقادی (به درصد)

بزرگ‌سال	میان‌سال	جوان	زن	مرد	کل جامعه	گروه‌های مخاطب میزان
۰/۵	۰/۵	۰/۶	۰/۵	۰/۶	۰/۵	کم
۰/۷	۱/۸	۱/۷	۱	۲	۱/۵	متوسط
۹۸	۹۸	۹۸	۹۸	۹۷/۵	۹۸	زیاد

(منبع: ایسپا، ۱۳۸۵: ۳۱۶)

- در بعد تجربی دین‌داری که با شاخص‌هایی چون احساس نیاز به راز و نیاز با خداوند، احساس وجود امدادهای الهی در زندگی، احساس شاهد و ناظر بودن خداوند بر اعمال و رفتار انسان بررسی شده، نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در این بعد نیز ۹۶ درصد مردم به میزان زیادی دین‌دار بوده‌اند. همچنین در این بعد از دین‌داری نیز بین جوانان و میان‌سالان و بزرگ‌سالان و نیز بین مردان و زنان تفاوتی وجود ندارد. میزان دین‌داری در این بعد در میان ۹۵ درصد مردان و ۹۷ درصد زنان، زیاد است. این رقم در مورد جوانان، میان‌سالان و بزرگ‌سالان به ترتیب ۹۶، ۹۶ و ۹۷ درصد است که نشان می‌دهد این بعد از دین‌داری در میان دو سر طیف شکاف نسلی و جنسیتی تفاوت معناداری ندارد.

جدول ۲- سنجش میزان دین‌داری در جامعه (بعد تجربی)

بزرگ‌سال	میان‌سال	جوان	زن	مرد	کل	گروه‌های جامعه میزان
۱/۲	۰/۷	۰/۷	۰/۵	۱	۱	کم
۲	۳	۳	۲	۴	۳	متوسط
۹۷	۹۶	۹۶	۹۷	۹۵	۹۶	زیاد

(منبع: همان: ۳۳۶)

- در بررسی بعد مناسکی دین‌داری که با شاخص‌هایی چون نماز خواندن، روزه گرفتن و شرکت در مراسم مذهبی سنجیده شده، یافته‌ها نشان می‌دهد که ۷۸ درصد از پاسخگویان به شاخص‌های یادشده، پایبندی زیادی دارند. تفاوت یافته‌های این بخش در میان زنان و مردان و نیز جوانان و میان‌سالان و بزرگ‌سالان، بیش از ابعاد اعتقادی و

۱۷۳ / پژوهش سیاست نظری، شماره شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

تجربی دین‌داری است، اما با وجود این، تفاوت‌ها چشمگیر نیست. بر اساس نتایج این پیمایش، ۷۴ درصد مردان و ۸۱ درصد زنان اذعان کرده‌اند که به این بعد از دین‌داری پایبندی زیادی دارند. همچنین تعداد جوانانی که گفته‌اند به بعد مناسکی دین‌داری پایبندی زیادی دارند، در مقایسه با میان‌سالان و بزرگسالان به ترتیب ۹ و ۱۴ درصد کمتر است.

جدول ۳- سنجش میزان دین‌داری در جامعه (بعد مناسکی)

بزرگسال	میان‌سال	جوان	زن	مرد	کل	گروه‌های جامعه میزان
۴	۵	۸	۴	۹	۶/۵	کم
۱۰	۱۴	۲۰	۱۵	۱۷	۱۶	متوسط
۸۶	۸۱	۷۲	۸۱	۷۴	۷۷/۵	زیاد

(منبع: ایسپا، ۱۳۸۵: ۳۲۳)

- در بعد پیامدهای دین‌داری که با شاخص‌هایی چون غیبت نکردن، دروغ نگفتن و مواظب حلال و حرام بودن سنجیده شده، یافته‌های این پیمایش نشان می‌دهد که ۷۶ درصد از مردم میزان پایبندی خود به این بعد از دین‌داری را زیاد دانسته‌اند. همانند ابعاد پیشین دین‌داری، در این بعد نیز بین آماره‌های جوانان با طیف قبل و آماره‌های زنان و مردان تفاوت چشمگیری وجود ندارد.

جدول ۴- سنجش میزان دین‌داری مردم (بعد پیامدی)

بزرگسال	میان‌سال	جوان	زن	مرد	کل جامعه	گروه‌های جامعه میزان
۶	۸	۱۲	۱۰	۱۰	۱۰	کم
۷	۱۳	۱۷	۱۳	۱۵	۱۴	متوسط
۸۷	۷۹	۷۰	۷۷	۷۵	۷۶	زیاد

(منبع: همان: ۳۳۰)

پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

در این پیمایش، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۸۰ در سطح ملی بررسی شده که بخشی از آن به ابعاد دین‌داری و هویت دینی اختصاص یافته است. یکی از مزیت‌های این پژوهش در مقایسه با دیگر پژوهش‌ها، این است که به دلیل وجود

آمارهای استانی، امکان تطبیق یافته‌ها بر اساس معیارهای قومی و مذهبی نیز تا حدودی فراهم شده، هرچند مستقیماً این مؤلفه‌ها در تبیین روابط متغیرها مد نظر پژوهشگران آن پیمایش نبوده است. با توجه به اهمیت شاخص دین‌داری و هویت دینی در میان اقلیت مذهبی اهل سنت و اقوام مختلف ایرانی برای درک نگرش ایشان به شاخص‌های معطوف به ابعاد دینی وحدت ملی و با در نظر گرفتن اطلاعات موجود در این پیمایش:

— برای تبیین نگرش اقوام مختلف ایرانی، یافته‌های شهرهای تبریز، اهواز و یزد به عنوان نمادهای قومیت‌های آذری، عرب و فارس در نظر گرفته شده است.

— برای تبیین نگرش اقلیت مذهبی اهل سنت، یافته‌های شهر سنندج که ۹۵ درصد پاسخگویان پرسش‌نامه را اهل سنت تشکیل داده‌اند و یافته‌های شهر اصفهان به عنوان ملاک نگرش اهل تشیع مد نظر قرار گرفته است.

تا ضمن توصیف وضعیت دین‌داری و هویت دینی در این بخش‌های جامعه، امکان مقایسه و تطبیق داده‌ها بر محور شکاف‌های اجتماعی فراهم آید. در ادامه به گویه‌های چهارگانه‌ای که از پیمایش انتخاب شده، نگاهی می‌اندازیم:

گویه اول: دین و ایمان یکی از بهترین راه‌های غلبه بر مشکلات است.

در مجموع ۸۸ درصد از پاسخگویان با این گویه موافقت داشته‌اند. تفاوت نظرات پاسخگویان جوان با میان‌سالان و بزرگسالان و نیز مردان و زنان تنها چهار درصد بوده است. همچنین بین پاسخگویان شیعه و سنی در موافقت با این گویه، تنها یک درصد تفاوت وجود داشته که آن هم در میان اهل سنت بالاتر بوده است. همچنین ۸۵ درصد آذری‌ها و اعراب و ۹۲ درصد فارس‌ها با این گویه موافق بوده‌اند.

گویه دوم: اعمال خوب و بد انسان در روز جزا محاسبه می‌شود. میزان موافقت با این گویه در کل جامعه به میزان ۹۶ درصد و تفاوت نگرشی در میان طیف‌های مورد مطالعه، حداکثر ۲ درصد بوده است. جالب اینکه در این گویه نیز موافقت اهل سنت در مقایسه با اهل تشیع یک درصد بیشتر بوده است.

گویه سوم: انجام اعمال واجب دینی (نماز و روزه) به صورت همیشگی یا اکثر اوقات: ۸۲ درصد از پاسخگویان ابراز داشته‌اند که واجبات دینی خود را همیشه یا اکثر اوقات به

۱۷۵ / پژوهش سیاست نظری، شماره شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ —————
 جای می‌آورند. در این گویه، میان سالان ۱۱ درصد و بزرگسالان ۱۶ درصد بیشتر از جوانان و زنان، ۹ درصد بیشتر از مردان، خود را به انجام واجبات دینی مقید دانسته‌اند. همچنین رقم پایبندی به واجبات دینی در میان فارس‌ها (۹۵ درصد)، ۱۵ درصد بیشتر از آذری‌ها و ۱۷ درصد بیشتر از عرب‌ها و در میان شیعیان ۲۵ درصد بیشتر از اهل سنت بوده است.

گویه چهارم: چقدر خود را فردی مذهبی می‌دانید (متوسط، زیاد و کاملاً): ۹۱ درصد از پاسخ‌گویان خود را از نظر مذهبی متوسط به بالا دانسته‌اند. تفاوت این گویه در میان میان سالان و بزرگسالان در مقایسه با جوانان به ترتیب ۵ و ۸ درصد و در میان زنان در مقایسه با مردان، ۳ درصد بیشتر بوده است. همچنین آذری‌ها و فارس‌ها ۹۴ درصد، عرب‌ها ۸۸ درصد، شیعیان ۹۴ درصد و اهل سنت ۸۷ درصد خود را دارای هویت مذهبی دانسته‌اند.

جدول ۵- میزان موافقت با گویه‌های دینی (درصد)

شکاف مذهبی	شکاف قومی			شکاف جنسیتی		شکاف نسلی			گویه‌ها	
	قارز	کرد	آذری	زن	مرد	بزرگسال	میان سال	جوان		
سختی	تجربه	فقر	زنی	آذری	زن	مرد	بزرگسال	میان سال	جوان	دین و ایمان یکی از بهترین راه‌های غلبه بر مشکلات است.
۸۸	۸۸	۹۲	۸۵	۸۵	۹۰	۸۶	۹۰	۸۹	۸۶	امثال
۹۷	۹۶	۹۷	۹۶	۹۵	۹۷	۹۵	۹۷	۹۶	۹۵	روز جزا محاسبه می‌شود.
۶۵	۹۰	۹۵	۷۸	۸۰	۸۶	۷۵	۹۱	۸۶	۷۵	انجام واجبات دینی (نماز و روزه) به صورت همیشگی یا اکثر اوقات
۹۴	۸۷	۹۴	۸۸	۹۴	۹۱	۸۸	۹۵	۹۲	۸۷	چقدر خود را فردی مذهبی می‌دانید (متوسط، زیاد، کاملاً).

(منبع: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (کل کشور)، ۱۳۸۲ الف، صفحات مختلف

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (اصفهان، یزد، تبریز، اهواز، سنج، ۱۳۸۲ پ، صفحات مختلف)

نسبت شکاف‌های اجتماعی با بعد سرزمینی وحدت ملی

جغرافیا و سرزمین‌عینی‌ترین و ملموس‌ترین وجه هویت ملی و همبستگی ملی است. برخی از صاحب‌نظران سرزمین را مهم‌ترین بعد وحدت ملی دانسته‌اند، زیرا بر اساس نظر ایشان، ملتی که سرزمین نداشته باشد، نمی‌تواند مدعی داشتن هویت باشد. به همین دلیل است که کشورها و ملت‌های مختلف نسبت به حفظ و حراست از تمامیت ارضی خود بسیار حساسند و در هیچ شرایطی به دشمنان خود در این زمینه باج نمی‌دهند، زیرا با از دست رفتن بعد سرزمینی، ابعاد دیگر هویت و وحدت ملی در معرض تهدیدهای جدی قرار می‌گیرد.

شاید یکی از بارزترین نمونه‌های جلوه‌گری ملموس و عینی بعد سرزمینی در هویت ملی، «کشور و ملت اسرائیل» است. مردم اسرائیل در طول قرن بیستم کوشیده‌اند تا برای خود هویتی دست و پا کنند، اما در طول این قرن بیش و پیش از هر چیزی نسبت به داشتن سرزمینی که بتوانند مرزهای جغرافیایی برای آنها ترسیم و متجسم کند، تلاش کرده‌اند. در حال حاضر نیز با همه نفوذی که در مراکز حساس اقتصادی، سیاسی و رسانه‌ای جهان دارند، از دست دادن سرزمین فلسطین را پاشنه آشیل خود می‌دانند و از هر تلاش برای حفظ و توسعه آن دریغ نمی‌کنند.

در ایران نیز بعد جغرافیایی وحدت ملی همواره اهمیت زیادی داشته است. هرچند در طول تاریخ، بخش‌های زیادی از سرزمین ایران منتزع شده و ایران به لحاظ جغرافیایی کوچک و محدود به مرزهای فعلی شده است، به دلیل اینکه همواره سرزمین مشخص و معینی به عنوان ایران وجود داشته و از آن حفظ و حراست شده، لطامات وارد آمده به وحدت ملی منجر به فروپاشی وحدت ملی و هویت ملی ایرانیان نشده است. در ادامه به سنجش نگرش ایرانیان به بعد سرزمینی وحدت ملی می‌پردازیم.

پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، سال ۱۳۸۰

دو گویه مورد استفاده در این پیمایش تا حد زیادی نگرش ایرانیان را درباره بعد سرزمینی وحدت ملی نشان می‌دهد: یکی افتخار به ایرانی بودن و دیگری تمایل به حضور داوطلبانه در جبهه در صورت وقوع یک جنگ ناخواسته. با توجه به وجود

۱۷۷ / پژوهش سیاست نظری، شماره شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ —————
 آمارهای استانی، در این بخش نیز بررسی تطبیقی این گویه، ذیل شکاف‌های نسلی، جنسیتی، قومی و مذهبی امکان‌پذیر شده است.

گویه اول: افتخار به ایرانی بودن: نتایج این پیمایش نشان می‌دهد که ۸۷ درصد از پاسخگویان به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنند. این رقم در مورد میان‌سالان و بزرگ‌سالان به ترتیب ۵ و ۸ درصد بیشتر از جوانان و در مورد زنان ۳ درصد بیشتر از مردان بوده است. همچنین فارس‌ها نسبت به آذری‌ها و عرب‌ها به ترتیب ۹ و ۷ درصد و شیعیان نسبت به هم‌وطنان اهل سنت ۷ درصد بیشتر نسبت به این گویه موافقت نشان داده‌اند.

گویه دوم: تمایل به حضور داوطلبانه در جبهه در صورت وقوع یک جنگ ناخواسته: در مجموع (کل کشور)، ۶۷ درصد پاسخگویان با این گویه موافق بوده‌اند. پاسخ‌گویی مثبت به این گویه در میان جوانان و میان‌سالان و بزرگ‌سالان و نیز مردان و زنان تفاوت زیادی ندارد (حداکثر ۳ درصد). اما در متغیر قومی، وضعیت کمی متفاوت است و عرب‌ها در مقایسه با آذری‌ها و فارس‌ها به ترتیب ۲ و ۹ درصد با این گویه موافقت کمتری نشان داده‌اند. همچنین بین پاسخ‌های هم‌وطنان اهل سنت و اهل تشیع تفاوت چشمگیری در پاسخ به این گویه مشاهده نمی‌شود.

جدول ۶- نگرش ایرانیان به بعد سرزمینی وحدت ملی بر محور شکاف‌های اجتماعی

متغیرها گویه‌ها	کل کشور	شکاف نسلی			شکاف جنسیتی			شکاف قومی			شکاف مذهبی	
		بزرگسالان	میان‌سالان	جوانان	زنان	مردان	آذری	فارس	عرب	شیعه	سنت	
افتخار به ایرانی بودن	۸۷	۸۹	۹۲	۸۵	۸۸	۸۵	۸۵	۸۷	۹۴	۸۵	۸۷	
تمایل به حضور داوطلبانه در جنگ در صورت وقوع یک جنگ ناخواسته	۶۷	۶۸	۶۸	۶۷	۶۶	۷۵	۶۳	۷۲	۶۰	۵۹	۵۹	

(منبع: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰: ۲۷۵ و ۲۸۱)

پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، سال ۱۳۸۲

سه گویه از این پیمایش برای تحلیل نگرش ایرانیان به بعد سرزمینی وحدت ملی استفاده شده است: افتخار به ایرانی بودن، تمایل به مهاجرت دائمی از کشور و تمایل به حضور داوطلبانه در جبهه در صورت وقوع یک جنگ ناخواسته. متأسفانه اطلاعات استانی این پیمایش منتشر نشده است. به همین دلیل امکان تحلیل داده‌ها بر اساس شکاف قومی و مذهبی وجود ندارد.

گویه اول: افتخار به ایرانی بودن: معدل پاسخگویی به این گویه در این پیمایش ۸۹ درصد است که در مقایسه با پیمایش سال ۱۳۸۰ تفاوت زیادی به چشم نمی‌خورد.

گویه دوم: تمایل به مهاجرت از ایران برای همیشه: ۸۵ درصد پاسخگویان در پاسخ به این سؤال که اگر امکانات فراهم باشد، آیا حاضرید برای همیشه از ایران مهاجرت کنید، پاسخ منفی داده‌اند. این پاسخ منفی در میان میان‌سالان و بزرگسالان به ترتیب ۹ و ۱۴ درصد بیشتر از جوانان و در میان زنان ۷ درصد بیشتر از مردان بوده است.

گویه سوم: تمایل به حضور داوطلبانه در جبهه در صورت وقوع جنگ ناخواسته: میانگین پاسخ مثبت پاسخ‌گویان به این سؤال ۵۳ درصد بوده است و بین نگرش طرفین شکاف‌های نسلی و جنسیتی به این مقوله تفاوت چشمگیری به چشم نمی‌خورد.

جدول ۷- نگرش ایرانیان به بعد سرزمینی وحدت ملی بر محور شکاف‌های نسلی و جنسیتی، ۱۳۸۲

شکاف جنسیتی		شکاف نسلی			کل کشور	متغیر
		بزرگسال	میان‌سال	جوان		
زن	مرد	۹۶	۹۲	۸۶	۸۹	افتخار به ایرانی بودن
۸۹	۸۲	۹۴	۸۹	۸۰	۸۵	عدم تمایل به مهاجرت از کشور برای همیشه
۵۱	۵۴	۵۴	۵۳	۵۲	۵۳	تمایل به حضور داوطلبانه در جنگ در صورت وقوع یک جنگ ناخواسته

(منبع: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲ ب: ۲۲۱ و ۲۹۵-۲۹۸)

پیمایش فرهنگ سیاسی مردم ایران، سال ۱۳۸۵ (ایسپا)

یکی از شاخص‌هایی که در این پیمایش برای تحلیل فرهنگ سیاسی مردم ایران سنجیده شده، «تعصب ایرانی» است که با معیارهایی چون میزان موافقت با عبارتهایی چون «مهم‌ترین شیوه زندگی خانوادگی در ایران است»، «فرهنگ و شیوه زندگی ایرانی در جهان بهترین است»، «باید با استفاده از فرهنگ ایرانی، فرهنگ‌های دیگر را اصلاح کرد» بررسی شده است. یافته‌های پیمایش نشان می‌دهد که حدود ۸۵ درصد از پاسخگویان به میزان متوسط یا زیاد با این گویه‌ها موافق بوده‌اند. هرچند در این پیمایش، گویه‌های بهتری برای سنجش تعصب ایرانی می‌توانست انتخاب شود، ولی با همین گویه‌ها نیز درصد بالایی از پاسخگویان تعصب خود را به سرزمین ایران نشان داده‌اند. یافته‌های این پیمایش تفاوت چشمگیری میان نگرش جوانان با میان‌سالان و بزرگسالان و نیز زنان با مردان نشان نمی‌دهد.

جدول ۸- شاخص تعصب ایرانی

میزان	مرد	زن	جوان	میان‌سال	بزرگ‌سال
کم	۱۵	۱۳	۱۶	۱۲	۱۱
متوسط	۴۱	۴۱	۴۱	۴۲	۴۰
زیاد	۴۳	۴۶	۴۶	۴۳	۴۸

(منبع: ایسپا، ۱۳۸۵: ۳۰۸)

پژوهش قدرت هویت ملی ایرانیان، سال ۱۳۹۰

جامعه آماری این پژوهش، ۷۰۰ نفر از شهروندان بالای ۱۵ سال شهر تهران بوده است. در این پژوهش، چند گویه برای سنجش میزان تعلق شهروندان به بعد سرزمینی هویت ملی استفاده شده و یافته‌ها نشان می‌دهد که در تمامی گویه‌ها، بیش از ۸۰ درصد پاسخگویان به سرزمین ایران تعلق خاطر داشته‌اند.

پژوهش‌های علمی و فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۹- میزان تعلق سرزمینی شهروندان تهرانی

بی‌پاسخ	مخالف	بی‌نظر	موافق	گویه
۲	۶	۶	۸۶	همه اقوام ایرانی باید از یکپارچگی ایران دفاع کنند و عضویت آنها در ملت ایران ادامه یابد.
۳	۱	۵	۹۱	تجزیه‌طلبی، کار دشمنان ملت ایران است و باید با تمامی امکانات از آن جلوگیری کرد.
۱۱	۱۱	۵	۷۴	من در هر صورت ایران را دوست دارم.
۲	۲	۸	۸۸	ایران، جاودانه‌ترین سرزمین جهان است.
۳	۳	۴	۹۲	برای پیشگیری از تجزیه‌طلبی و دفاع از یکپارچگی سرزمینی، هر کاری لازم باشد انجام می‌دهم.

(منبع: قنبری و جعفرزاده‌پور، ۱۳۹۰: ۱۸-۱۹)

(آمادگی دفاع از سرزمین ایران در صورت ضرورت)

تبیین یافته‌های یکی از گویه‌های این پژوهش درباره متغیرهای سنی و جنسیتی نشان می‌دهد که شکاف نسلی و جنسیتی در این خصوص معنادار نیست.

جدول ۱۰- آمادگی دفاع از سرزمین ایران در صورت ضرورت

میزان	مرد	زن	جوان	میان‌سال	بزرگ‌سال
کم	۲۴	۲۷	۲۷	۲۴	۲۳
متوسط	۱۹	۲۲	۲۷	۲۲	۱۸
زیاد	۵۷	۵۱	۵۲	۵۴	۵۹

(منبع: همان: ۱۹)

پژوهش نگرش دانشجویان منطقه ۱۱ دانشگاه آزاد اسلامی

به اتحاد ملی و انسجام اسلامی

جامعه آماری این پژوهش که در سال ۱۳۸۸-۱۳۸۹ انجام شده، اکثراً جوان و کرد است. چند گویه مورد مطالعه در این پژوهش معطوف به بعد سرزمینی وحدت ملی است و یافته‌های آن نشان می‌دهد که بیش از ۸۰ درصد پاسخگویان به بعد سرزمینی وحدت ملی علاقه‌مند بوده‌اند. با توجه به جوان بودن و کرد بودن اکثر پاسخگویان، از این داده‌ها می‌توان به نگرش جوانان و کردها درباره بعد سرزمینی وحدت ملی دست یافت.

جدول ۱۱- نگرش جوانان کرد به بعد سرزمینی وحدت ملی

گویه‌ها	مؤلفه	مؤلفه ثانویه	مؤلفه
علاقه‌مندی به ایران	۸۴	۱۰	۶
همه جای ایران وطن من است	۸۱	۱۱	۸
در برابر تجاوز به ایران هر کاری از دستم برآید انجام می‌دهم	۷۸	۱۴	۸
برای یکپارچگی و همبستگی جامعه ایرانی، باید تلاش کنیم	۷۶	۱۵	۹

(منبع: مروت و باغبانیان، ۱۳۹۰: ۱۰۸)

نسبت شکاف‌های اجتماعی با بعد اجتماعی وحدت ملی

برای درک نگرش مردم به بعد اجتماعی وحدت ملی، از میان داده‌های مختلف پیمایش‌ها، سه شاخص زیر مدنظر قرار گرفته است: احساس وجود عدالت اجتماعی در جامعه، میزان اعتماد عمومی و نهایتاً عضویت در تشکل‌های صنفی، مدنی و اجتماعی و مشارکت در فعالیت آنها.

وجود عدالت اجتماعی در جامعه

شاخص‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در کشور نشان می‌دهد که عدالت اجتماعی در کشور، وضعیت مطلوبی دارد و تبعیض با شدت و ضعف‌های مختلف در بخش‌های گوناگون جامعه به چشم می‌خورد. به عنوان مثال اتخاذ سیاست تمرکزگرایی اقتصادی در یک‌صد سال گذشته و وجود برخی ناامنی‌های پراکنده در مناطق مرزی و پایین‌بودن امنیت برای سرمایه‌گذاری اقتصادی باعث ایجاد نابرابری و تبعیض اقتصادی در مناطق و استان‌های مرزی و قومی کشور شده است. بر اساس آمار منتشرشده مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی در سال ۱۳۸۴، استان‌های کردستان و سیستان و بلوچستان در ابعاد مختلف سطح برخورداری، در رتبه‌های آخر قرار دارند.

به اعتقاد کاویانی‌راد (۱۳۸۶)، کاستی زیرساخت‌های اقتصادی و ضعف زمینه‌های اشتغال سالم در استان سیستان و بلوچستان، گرایش به سوی قاچاق در اشکال مختلف

مواد هیدروکربنی و مواد مخدر و... بالاست. به باور کارشناسان، بیش از نیمی از مردم استان، مستقیم و غیر مستقیم درگیر این پدیده‌اند. این مسئله منجر به افزایش درگیری میان سربازان نیروی انتظامی و قاچاقچیان و کشته و زخمی شدن بسیاری از دو طرف شده است که به جو عدم اطمینان و نارضایتی بیشتر دامن زده است (کاوایی‌راد، ۱۳۸۶: ۱۱۲). همچنین شاخص‌های دیگری نیز از نبود عدالت و وجود تبعیض در این مناطق حکایت می‌کند. به طور مثال در سال ۱۳۸۵:

- نرخ باسوادی و آموزش در کشور حدود ۹۰ درصد بوده، در حالی که این میزان در استان سیستان و بلوچستان حدود ۶۵ درصد و در کردستان حدود ۷۵ درصد گزارش شده است.
- میزان متوسط شاخص امید به زندگی در ایران، حدود ۰/۷۶۹ است. در حالی که میزان این شاخص در استان سیستان و بلوچستان، حدود ۰/۵۷۱ و در استان کردستان حدود ۰/۶۵۱ است که پایین‌تر از متوسط ملی است.
- میزان متوسط شاخص تولید ناخالص داخلی در ایران، حدود ۰/۷۸۴ است. در حالی که میزان این شاخص در استان سیستان و بلوچستان، حدود ۰/۶۶۲ و در استان کردستان حدود ۰/۶۷۰ است که پایین‌تر از متوسط ملی است (محاسبات دفتر نظارت برنامه، معاونت نظارت راهبردی).

البته در کنار این واقعیت‌ها، به این نکته باید توجه داشت که یکی از متغیرهای مهم اقتصادی کشور از سال ۱۳۸۸ تاکنون، اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها بوده است. هر چند نتایج پژوهش‌ها و ارزیابی صاحب‌نظران از تأثیر مخرب اجرای این قانون بر اقتصاد کشور و افزایش همزمان رکود و تورم حکایت می‌کند، به نظر می‌رسد اجرای این قانون در ایجاد رضایت نسبی در میان مناطق محروم و قومی کشور نقش داشته است. پرداخت یکسان یارانه به همه شهروندان، فارغ از جنسیت، مذهب و قومیت و... هر چند حلال مشکلات اقتصادی کشور به‌ویژه اقشار محروم جامعه نبوده، حداقل احساس وجود برابری و عدالت اجتماعی را در میان ایشان به وجود آورده است.

با وجود همه این واقعیت‌ها باید گفت نبود عدالت اجتماعی و وجود تبعیض، محدود به بخش‌های خاصی از جامعه نیست و یافته‌های مستخرج از پژوهش‌های مختلف نشان

می‌دهد که ایرانیان، نظر چندان مثبتی درباره وجود عدالت اجتماعی در کشور ندارند. در ادامه با ذکر نتایج برخی پیمایش‌های موجود، نگرش شهروندان ایرانی را به وجود عدالت اجتماعی در کشور بررسی می‌کنیم و در مواردی که اطلاعات تکمیلی وجود داشته باشد، داده‌های موجود را بر محور شکاف‌های اجتماعی مورد مطالعه، تحلیل می‌کنیم.

پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، سال ۱۳۸۰

- یافته‌های این پیمایش نشان می‌دهد که بیش از نیمی از مخاطبان، نسبت به وجود عدالت اجتماعی در کشور نظر مثبتی نداشته‌اند و این احساس تبعیض به مراتب در میان اقوام ایرانی و هم‌وطنان اهل سنت از میانگین جامعه بیشتر است. در این پیمایش:
- ۷۷ درصد از پاسخگویان با این گویه که «در جامعه ما هر سال ثروتمندان، ثروتمندتر و فقرا، فقیرتر می‌شوند» موافق بوده‌اند. موافقت با این گویه در میان آذری‌ها و عرب‌ها به میزان ۶ و ۱۰ درصد بیشتر از فارس‌ها بوده است.
 - ۸۲ درصد پاسخگویان با این گویه که «در جامعه ما، هر کس پول و پارتی نداشته باشد، حقش پایمال می‌شود» موافق بوده‌اند.
 - نیمی از پاسخگویان بر این باور بوده‌اند که «قانون در مورد مردم و مسئولین به صورت یکسان اجرا نمی‌شود».
 - نیمی از پاسخگویان با این گویه که «حکومت به همه مردم به یک چشم نگاه می‌کند» مخالف بوده‌اند.
 - عرب‌ها و آذری‌ها به ترتیب ۱۰ و ۲۱ درصد بیشتر از فارس‌ها با این گویه که «حکومت برای همه اقوام کشور، ارزش و احترام یکسانی قائل است» مخالف بوده‌اند. میزان موافقت با این گویه از میان هم‌وطنان شیعه و اهل سنت به ترتیب ۶۳ و ۳۵ درصد بود که نشان می‌دهد در این زمینه شکاف مذهبی در کشور قابل توجه است.
 - بیش از نیمی از پاسخگویان، امکان پیشرفت زن‌ها و مردها را در کشور مساوی ندانسته‌اند. تفاوت نظر پاسخگویان ذیل شکاف قومی و مذهبی درباره مساوی بودن امکان پیشرفت زنان و مردان، معنادار است.

جدول ۱۲- نگرش شهروندان به وجود عدالت اجتماعی در کشور

گویه	رک	رد	زن	نژاد	میان سال	بزرگسال	آذری	کرد	فارسی	شیعه	سنی
در جامعه ما، هر سال ثروتمندان، ثروتمندتر و فقرا فقیرتر می‌شوند (موافق)	۷۷	۸۰	۷۵	۷۵	۷۹	۸۱	۷۸	۸۲	۷۲	۷۶	۷۵
هرکس پول و پارتی نداشته باشد، حقش ضایع می‌شود (موافق)	۸۲	۸۳	۸۲	۸۲	۸۳	۸۳	۸۱	۸۵	۸۶	۷۹	۸۳
قانون در مورد مردم و مسئولین یکسان اجرا می‌شود (مخالف)	۵۶	۵۸	۵۳	۵۵	۵۶	۵۴	۴۴	۵۵	۵۲	۶۰	۵۷
حکومت به همه مردم به یک چشم نگاه می‌کند (مخالف)	۵۰	۵۱	۵۰	۵۲	۴۹	۴۷	۴۴	۵۴	۵۰	۵۳	۵۳
حکومت برای همه اقوام، ارزش و احترام یکسانی قائل است (موافق)	۶۶	۶۵	۶۷	۶۳	۶۹	۶۸	۵۲	۶۲	۷۳	۶۳	۳۵
در شرایط فعلی، امکان پیشرفت زن‌ها و مردها مساوی و برابر است (موافق)	۴۲	۴۰	۴۳	۴۲	۴۲	۴۱	۳۷	۵۰	۵۱	۴۲	۳۳
در شرایط فعلی امکان پیشرفت زن‌ها بیشتر از مردهاست (موافق)	۱۰	۱۱	۹	۹	۱۱	۱۳	۱۴	۹	۱۳	۹	۱۰
در شرایط فعلی امکان پیشرفت مردها بیشتر از زن‌هاست (موافق)	۴۰	۳۹	۴۱	۴۰	۴۰	۳۸	۴۱	۴۰	۳۲	۳۷	۴۸

(منبع: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲ الف: ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۳ و ۱۲۴)

پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، سال ۱۳۸۲:

یافته‌های این پیمایش، نتایج پیمایش قبلی را مبنی بر اینکه ایرانیان نسبت به وجود عدالت اجتماعی نگرش مثبتی ندارند، تأیید می‌کند. بر اساس یافته‌های این پیمایش، ۸۱ درصد از پاسخگویان با این گویه که «هرکس پول و پارتی نداشته باشد، حقش ضایع می‌شود» موافق بوده‌اند. همچنین ۹۱ درصد از پاسخگویان با این گویه که «قانون در مورد مردم و مسئولین به صورت زیادی یکسان اجرا می‌شود» مخالفت کرده‌اند که این رقم در پیمایش قبلی ۵۶ درصد بوده است. بر اساس یافته‌های این پیمایش، ۴۱ درصد از پاسخگویان با این گویه که «حکومت به همه اقوام ایرانی به یک چشم نگاه می‌کند» مخالف بوده‌اند. متأسفانه در این پیمایش داده‌های استانی وجود ندارد که امکان بررسی و تحلیل تطبیقی ذیل شکاف‌های قومی و مذهبی فراهم آید. در عین حال یافته‌ها نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین نگرش مردان و زنان و نیز جوانان با میان‌سالان و بزرگ‌سالان در گویه‌های یادشده وجود ندارد.

جدول ۱۳- شاخص عدالت

بزرگ‌سال	میان‌سال	جوان	زن	مرد	گویه
۸۲	۸۳	۷۸	۸۱	۸۱	هرکس پول و پارتی نداشته باشد، حقش ضایع می‌شود. (موافق)
۴۵	۴۶	۴۳	۴۴	۴۴	اگر حق کسی ضایع شد، تا حد کمی می‌تواند از طریق قانون به حقش برسد. (موافق)
۹۱	۹۱	۹۱	۹۲	۹۱	قانون در مورد مردم و مسئولین یکسان اجرا می‌شود. (مخالف)
۳۶	۳۹	۴۳	۴۱	۴۱	حکومت به همه اقوام ایرانی به یک چشم نگاه می‌کند. (مخالف)

(منبع: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲ الف: ۱۰۰-۱۰۳)

فرهنگ سیاسی مردم ایران، ایسپا، سال ۱۳۸۶

در این پیمایش نگرش مردم درباره عدالت اجتماعی در دو بعد توزیعی و رویه‌ای سنجش شده است:

عدالت توزیعی: برای سنجش نگرش مردم به این بعد از عدالت از دو گویه استفاده شده است. میزان موافقت با این دو گویه:

- اکثر افراد ایرانی به اندازه نیازشان مال و ثروت دارند.
 - درآمد افراد با سطح تحصیلات، توانایی و کاری که انجام می‌دهند، تناسب دارد.
- یافته‌ها نشان می‌دهد که بیش از ۸۰ درصد پاسخگویان با این گزینه‌ها موافق نبوده‌اند. همچنین نتایج پاسخگویی به این گویه، ذیل شکاف نسلی و جنسیتی تفاوت معناداری نداشته است.

جدول ۱۴- میزان موافقت با وجود عدالت توزیعی در کشور

میزان	مرد	زن	جوان	میان‌سال	بزرگ‌سال
کم	۸۳	۸۲	۸۳	۸۳	۸۰
متوسط	۹	۹	۹	۹	۹
زیاد	۸	۹	۸	۸	۱۱

(منبع: ایسپا، ۱۳۸۵: ۱۴۱)

عدالت رویه‌ای: نگرش شهروندان به این بعد از عدالت اجتماعی با پنج گویه سنجیده شده است: عادلانه بودن قوانین جمهوری اسلامی ایران، اجرای یکسان تصمیمات کشور برای همه مردم، توجه مسئولین به نظر مردم، توجه به لیاقت و شایستگی در دادن پست‌ها و نهایتاً پاسخگویی مسئولین.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که مردم نسبت به این بعد از عدالت اجتماعی رضایت زیادی ندارند. بر اساس نتایج این پیمایش، ۴۴ درصد از پاسخگویان، میزان وجود عدالت رویه‌ای را به میزان کم، ۳۳ درصد متوسط و ۲۳ درصد زیاد ارزیابی کرده‌اند.

جدول ۱۵- میزان موافقت مردم با وجود عدالت رویه‌ای در کشور

میزان	مرد	زن	جوان	میان‌سال	بزرگ‌سال
کم	۴۶	۴۲	۴۵	۴۵	۳۶
متوسط	۳۳	۳۴	۳۴	۳۳	۳۳
زیاد	۲۱	۲۴	۲۰	۲۲	۳۱

(منبع: ایسپا، ۱۳۸۵: ۱۵۰)

وجود اعتماد اجتماعی در جامعه

یافته‌های پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که سطح اعتماد اجتماعی در میان مردم بسیار پایین و روابط اجتماعی مردم مبتنی بر نوعی دورویی، سوءظن و تردید است. در ادامه با بهره‌گیری از یافته‌های پژوهش‌های مختلف، میزان اعتماد اجتماعی بین مردم را ذیل دو محور اعتماد عمومی و اعتماد به گروه‌های مختلف بررسی و سنجیده می‌شود.

الف) اعتماد عمومی

پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، سال ۱۳۸۲

یافته‌های این پیمایش نشان می‌دهد که کمتر از ۲۰ درصد پاسخگویان، مردم را در حد «زیاد» قابل اعتماد می‌دانند. همچنین طبق یافته‌های این پیمایش، میزان بی‌اعتمادی در میان زنان در مقایسه با مردها و در میان جوانان در مقایسه با میان‌سالان و بزرگ‌سالان به مراتب بیشتر است.

جدول ۱۶- نگرش پاسخگویان به میزان قابل اعتماد بودن مردم

میزان	مرد	زن	جوان	میان‌سال	بزرگ‌سال
کم	۲۴	۳۳	۳۱	۲۶	۲۵
متوسط	۵۸	۵۶	۵۸	۵۷	۵۳
زیاد	۱۸	۱۱	۱۱	۱۷	۲۲

(منبع: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲ الف: ۲۶۳)

همچنین یافته‌های این پیمایش نشان می‌دهد که مردم نسبت به اطلاع‌رسانی صحیح رسانه‌های گروهی (اعم از رسمی و غیر رسمی) اعتماد زیادی ندارند. بر اساس این پیمایش، میانگین اعتماد زیاد به اخبار مطبوعات حدود ۲۴ درصد، اینترنت ۴۵ درصد و شبکه‌های ماهواره‌ای ۲۵ درصد بوده است. جالب اینکه میزان اعتماد مردم به اخبار رسانه ملی به عنوان ارگان رسمی کشور نیز حدود ۴۵ درصد بوده است. این آمار نشان می‌دهد که اعتماد عمومی به صحت اخبار رسانه‌های کشور، پایین‌تر از نصف است و نکته جالب اینکه میزان اعتماد جوانان به اخبار اینترنت و ماهواره به مراتب از مطبوعات و رسانه ملی بیشتر است.

جدول ۱۷- میزان اعتماد زیاد به اخبار رسانه‌ها

رسانه	مرد	زن	جوان	میان‌سال	بزرگ‌سال
رادیو و تلویزیون	۳۹	۴۹	۴۴	۴۳	۴۵
مطبوعات	۲۲	۲۵	۲۱	۲۴	۲۸
اینترنت	۴۷	۴۴	۵۳	۳۶	۴۳
ماهواره	۲۶	۲۴	۳۱	۱۸	۱۸

(منبع: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲ الف: ۲۷۹-۲۸۱)

نظرسنجی مرکز تحقیقات صدا و سیما، سال ۱۳۸۳

نتایج این پژوهش که جامعه آماری آن را شهروندان بالای ۱۸ سال شهر تهران تشکیل می‌دهد نیز پایین بودن سطح اعتماد عمومی را تأیید می‌کند. در این پیمایش، ۶۴ درصد پاسخگویان با این گویه که «نباید به کسی اعتماد کرد» موافق بوده‌اند. بیش از ۷۰ درصد پاسخگویان، احتمال رانندگی به تنهایی در شب در یک جاده را منتفی دانسته‌اند. همچنین ۵۷ درصد از پاسخگویان، حمل پول زیاد در خیابان را ایمن ندانسته‌اند. جالب اینکه ۸۴ درصد از پاسخگویان خاطرنشان کرده‌اند که سطح اعتماد عمومی در آینده از این سطح هم کمتر خواهد شد. همچنین در اکثر گویه‌های مربوط به سنجش اعتماد عمومی، میزان اعتماد عمومی در میان زنان به مراتب از مردها کمتر بوده است. این بدان معناست که در جامعه ایران، امنیت زنان در حد قابل قبولی نیست (ر.ک: کشاورز و دیگران، ۱۳۸۳).

در بخشی از این پیمایش تمایل پاسخگویان به همکاری اقتصادی با اعضای خانواده و غریبه‌ها بررسی شده است که نتایج آن نشان می‌دهد اعتماد در میان خانواده‌ها در سطح مطلوبی است؛ اما هرچه دایره روابط از خانواده به جامعه گسترده می‌شود، میزان اعتماد به دیگران برای همکاری اقتصادی به نحو چشمگیری کاهش می‌یابد.

جدول ۱۸- تمایل به همکاری اقتصادی با اعضای خانواده و دیگران

نسبت	اصلاً	کم و خیلی کم	تا حدودی	زیاد و خیلی زیاد
خانواده	۱	۴	۶	۸۹
بستگان	۳	۱۳	۱۸	۶۷
دوستان و آشنایان	۷	۲۵	۲۰	۴۷
غریبه‌ها	۵۱	۳۳	۹	۶

(منبع: همان: ۲۳-۲۵)

پیمایش فرهنگ سیاسی مردم ایران، سال ۱۳۸۶

نتایج این پیمایش نشان می‌دهد که پیش‌بینی پاسخگویان نظرسنجی سال ۸۳ درباره آینده اعتماد عمومی مردم صحیح بوده و طی ۳-۴ سال، اعتماد عمومی در جامعه از سطح نازل پیشین هم کمتر شده است. این پیمایش، اعتماد عمومی جامعه را بر اساس سه شاخص: قابل اعتماد بودن افراد جامعه، اعتماد به حرف فروشندگان در معامله و یکی بودن ظاهر و باطن مردم سنجیده و یافته‌های آن نشان می‌دهد که تنها ۸ درصد افراد جامعه به میزان «زیاد» به یکدیگر اعتماد دارند.

جدول ۱۹- میزان اعتماد اجتماعی در میان مردم

میزان	مرد	زن	جوان	میان‌سال	بزرگ‌سال
کم	۷۵	۷۶	۷۹	۷۴	۶۴
متوسط	۱۷	۱۶	۱۴	۱۸	۲۰
زیاد	۸	۸	۷	۸	۱۵

(منبع: ایسپا، ۱۳۸۵: ۲۵۰)

ب) اعتماد به مشاغل مختلف اجتماعی

یافته‌های پژوهش‌ها نشان می‌دهد که میزان اعتماد مردم به مشاغل مختلف در کشور متفاوت است. بر اساس اطلاعات موجود به نظر می‌رسد که در میان مشاغل مختلف، بالاترین سطح اعتماد اجتماعی به اساتید دانشگاه و کمترین سطح اعتماد به بنگاه‌داران و بازاریان است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان اعتماد اجتماعی به مشاغل مختلف در میان گروه‌های مختلف سنی، جنسیتی، قومی و مذهبی به جز در چند مورد خاص، تفاوت زیادی وجود ندارد. به عبارت دیگر اعتماد یا بی‌اعتمادی به مشاغل مختلف در لایه‌های مختلف جامعه نسبتاً یکسان است. در ادامه به آمارهای موجود در این زمینه نگاهی می‌اندازیم:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۲۰- اعتماد به گروه‌ها و مشاغل مختلف جامعه (اعتماد زیاد)

ردیف	مشاغل	کل	آذری	عرب	فارس	شیعه	سنی
۱	بنگاه‌دار	۶	۹	۶	۹	۵	۱۰
۲	پلیس راهنمایی	۵۶	۶۰	۴۳	۶۷	۶۱	۵۱
۳	راننده تاکسی	۲۵	۳۲	۱۶	۳۵	۲۵	۱۶
۴	پزشکان	۶۴	۵۸	۶۸	۷۱	۵۷	۶۹
۵	قضات	۴۴	۳۸	۳۹	۴۷	۴۵	۵۳
۶	اساتید دانشگاه	۷۲	۷۸	۷۹	۷۲	۶۹	۸۶
۷	کسبه	۱۷	۱۹	۹	۲۳	۲۰	۱۵
۸	نیروی انتظامی	۶۲	۵۶	۳۴	۶۷	۵۱	۶۲
۹	روحانیون	۴۷	۳۹	۳۵	۵۷	۴۸	۳۷
۱۰	هنرمندان	۵۰	۵۷	۵۰	۵۴	۳۹	۵۲
۱۱	تجار و بازاریان	۱۱	۱۱	۶	۱۹	۹	۱۱
۱۲	ارتشی‌ها	۵۵	۵۹	۴۶	۶۴	۵۱	۵۶
۱۳	ورزشکاران	۶۲	۶۴	۵۸	۶۳	۵۷	۶۳
۱۴	روزنامه‌نگاران	۳۱	۳۷	۳۵	۳۱	۲۵	۴۸

(منبع: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲ الف و پ)

(کل جامعه و استان‌های اصفهان، کردستان، یزد، اهواز و تبریز): ۲۱۹-۲۲۸)

یافته‌های پژوهش مرکز تحقیقات صدا و سیما هم نشان می‌دهد که میزان اعتماد مردم به گروه‌های مختلف اجتماعی متفاوت است. نکته قابل توجه اینکه بر اساس یافته‌های این پژوهش، سطح اعتماد عمومی به مشاغل مختلف از نتایج پژوهش سال ۱۳۸۱ در بسیاری از موارد مشابه، کمتر است. به عبارت دیگر هر چند معدل سطح اعتماد عمومی به مشاغل مختلف در سال ۱۳۸۱ در حد بالایی نبوده، با گذشت سه سال، این میزان اعتماد به تدریج کمتر شده است.

پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۲۱- میزان اعتماد به مشاغل مختلف

میزان مشاغل	اصلاً	کم	تاحدودی	زیاد
نیروی انتظامی	۱۰	۱۷	۲۳	۳۴
قضات	۱۰	۱۹	۲۶	۳۱
پزشکان	۳	۱۳	۳۲	۳۹
کارمندان دولتی	۱۰	۲۷	۳۴	۲۱
راننده تاکسی	۱۳	۲۸	۳۵	۱۷
خواروبارفروشی	۱۳	۲۷	۳۷	۱۵

(منبع: کشاورز و دیگران، ۱۳۸۳: ۵۷)

مشارکت عمومی

مشارکت افراد در انجمن‌ها و تشکل‌های صنفی، مدنی و سیاسی، یکی از ویژگی‌های جامعه مدنی و عامل حفظ و صیانت از حقوق شهروندی است. همچنین پیوستن افراد به تشکل‌های مدنی و صنفی باعث پیوستگی و تقویت انسجام اجتماعی می‌شود. داده‌های موجود نشان می‌دهد که نگرش مردم ایران به عضویت در تشکل‌های مدنی، رفاهی و صنفی در حد نازلی است که احتمالاً این موضوع به فرهنگ کار غیر گروهی ایرانیان و یا اشاعه نگرش منفی مردم به احزاب و تشکل‌های سیاسی و انجمن‌ها و تشکل‌های مدنی بازمی‌گردد. ولی به هر حال این موضوع باعث تضعیف ابعاد و لایه‌های اجتماعی هویت و وحدت ملی می‌شود. در ادامه به برخی از این یافته‌ها اشاره می‌کنیم.

یافته‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۸۳ نشان می‌دهد که تمایل مردم به عضویت، مشارکت و همکاری در فعالیت انجمن‌ها و تشکل‌های صنفی و مدنی، بین ۲۰ تا ۳۰ درصد است. بر اساس یافته‌های این پیمایش میزان همکاری پاسخگویان با «احزاب و تشکل‌های سیاسی» و «هیئت‌های مذهبی» با ۳ و ۳۸ درصد به ترتیب کمترین و بیشترین میزان گرایش مردم به همکاری و مشارکت عمومی بوده است و سایر تشکل‌های صنفی مثل انجمن‌های خیریه، هنری، ورزشی، تفریحی، علمی و... در حد فاصل این دو قرار دارد. نکته جالب دیگر اینکه در اکثر موارد بین عضویت و

تیبیین نسبت شکاف‌های اجتماعی و وحدت ملی در ایران / ۱۹۲

همکاری مردان و زنان و جوانان و بزرگسالان در این تشکل‌ها تفاوت چشمگیری وجود ندارد. به عبارت دیگر نرخ مشارکت عمومی در تمام و اکثر مخاطبان، پایین است.

جدول ۲۲- میزان مشارکت شهروندان در تشکل‌های صنفی و مدنی (به درصد)

بزرگسال	میانسال	جوان	زن	مرد	گروه تشکل
۲۶	۴۱	۱۴	۲۸	۲۴	انجمن اولیا و مربیان
۱۴	۱۲	۸	۵	۱۵	شوراهای محلی
۲۷	۲۲	۱۶	۱۹	۲۱	انجمن‌های خیریه
۵	۶	۱۶	۱۰	۱۲	انجمن‌های هنری و ادبی
۹	۱۴	۳۰	۱۴	۲۰	انجمن‌های ورزشی و تفریحی
۹	۱۰	۸	۳	۱۴	انجمن‌های صنفی و حرفه‌ای
۱۵	۱۲	۱۴	۹	۱۷	انجمن‌های اسلامی
۳	۲	۴	۲	۴	احزاب و گروه‌های سیاسی
۵	۹	۱۹	۱۱	۱۶	انجمن‌های علمی
۵۰	۳۸	۳۴	۲۶	۴۸	هیئت‌های مذهبی
۱۵	۱۶	۲۳	۱۴	۲۵	پایگاه بسیج

(منبع: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲ الف: ۳۴۲-۳۴۷)

همچنین نتایج پیمایش دیگری که در مورد عضویت دانشجویان در کانون‌های فرهنگی، شورای صنفی و تشکل‌های سیاسی داخل دانشگاه صورت گرفته، نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود شرایط محیطی مناسب دانشگاه برای مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های دانشجویی، میزان عضویت دانشجویان در تشکل‌ها و کانون‌های دانشجویی، ۵۲ درصد بوده است که از این تعداد حدود یک سوم عضویت‌ها صوری بوده و عملاً مشارکتی در برنامه‌ها از طرف دانشجویان عضو وجود ندارد (سراج‌زاده و ادهمی، ۱۳۸۷: ۱۳۰-۱۵۸).

همچنین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین متغیر قومیت و مشارکت در تشکل‌های دانشجویی به جز در یکی دو مورد، تفاوت معناداری وجود ندارد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که کانون‌های ورزشی و بسیج دانشجویی، تنها کانون‌ها و

۱۹۳ / پژوهش سیاست نظری، شماره شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

تشکل‌هایی هستند که عضویت دانشجویان متعلق به قومیت‌های مختلف در آن، تفاوت معناداری دارد. بر اساس یافته‌های این پژوهش میزان عضویت لرها در کانون‌های ورزشی، ۱۳ درصد و سایر قومیت‌ها ۷ درصد و میزان مشارکت کردها و لرها (دو سه طیف) در بسیج دانشجویی به ترتیب ۱۱ و ۱۹ درصد است. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که میزان عضویت کردها در تشکل‌های مذهبی از سایر قومیت‌ها، کمتر و برعکس میزان عضویت ایشان در انجمن‌های اسلامی، بیشتر از سایر قومیت‌هاست که در جای خود نیاز به بررسی و تحلیل دارد.

جدول ۲۳- عضویت دانشجویان در تشکل‌ها و کانون‌های دانشجویی
به تفکیک قومیت (درصد)

قومیت تشکل	فارس	آذری	کرد	لر	سایر	جمع
انجمن‌های اسلامی	۷/۸	۸/۱	۱۰	۹/۱	۱۰/۷	۸/۳
انجمن‌های علمی	۱۷/۴	۱۷/۶	۱۵/۹	۱۳/۸	۱۹/۷	۱۷/۲
انجمن‌های ادبی و هنری	۱۰/۷	۹/۲	۹/۵	۱۱/۳	۸/۶	۱۰/۲
کانون‌های ورزشی	۷/۲	۷/۲	۱/۹	۱۲/۸	۱۰/۷	۷/۷
کانون‌های مذهبی	۴/۳	۴/۲	۲/۶	۴/۷	۴/۱	۴/۱
بسیج دانشجویی	۱۳/۳	۱۵	۱۱/۴	۱۹/۱	۱۲/۳	۱۳/۹
سایر	۳/۲	۴/۱	۲/۹	۲/۸	۵/۳	۳/۵
جمع						۵۲

(منبع: سراج‌زاده و ادهمی، ۱۳۸۷: ۱۳۰-۱۵۸)

در مجموع و در تحلیل نهایی بعد اجتماعی وحدت ملی می‌توان گفت که در تمام شاخص‌های بعد اجتماعی یعنی احساس وجود عدالت اجتماعی، اعتماد عمومی و مشارکت اجتماعی در تشکل‌ها، شرایط مناسبی در جامعه به چشم نمی‌خورد.

نسبت شکاف‌های اجتماعی با بعد سیاسی وحدت ملی

یافته‌های پیمایش‌های مختلف نشان می‌دهد که بعد سیاسی وحدت ملی نیز همچون بعد اجتماعی، یکی از ابعاد است که می‌تواند باعث تضعیف وحدت ملی در

ایران شود. نتایج این پیمایش‌ها نشان می‌دهد که نگرش مردم به عملکرد دولت چندان مثبت نیست، هرچند نسبت به اصل نظام سیاسی، هم‌گرایی و رغبت وجود دارد. به عبارت دیگر نگرش مردم نسبت به کارآمدی دولت در کارویژه‌هایی که از دولت انتظار می‌رود، به‌ویژه در بخش سیاسی و اقتصادی چندان مثبت نیست و همین امر باعث ایجاد شکاف میان دولت و ملت شده است. این شکاف در برخی از موارد در ذیل شکاف‌های نسلی، قومی، جنسیتی و مذهبی بیشتر معنادار می‌شود. در ادامه به نتایج برخی از پیمایش‌ها اشاره می‌کنیم:

پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، سال ۱۳۸۱

- در این پیمایش، ۵۵ درصد از پاسخگویان با این گزینه که حکومت برای رأی و نظر مردم ارزش قائل است، موافق بوده‌اند.
- تنها ۳۳ درصد از پاسخگویان، میزان آزادی فعالیت احزاب و گروه‌های قانونی را زیاد دانسته‌اند.
- تنها ۳ درصد از پاسخگویان، امکان انتقاد از حکومت بدون ترس و نگرانی را زیاد دانسته‌اند.
- تنها ۱۱ درصد از پاسخگویان، مدافع حفظ وضع موجود در کشور و ۶۶ درصد مدافع تغییر و اصلاح وضع موجود بوده‌اند. نکته جالب توجه اینکه پاسخگویان با تغییر و اصلاح نظام سیاسی موافق بوده‌اند، ولی تعداد پاسخگویانی که طرفدار ایجاد تغییرات بنیادین در نظام سیاسی بوده‌اند، تنها ۲۳ درصد بوده است. این امر نشان می‌دهد که گرایش مردم متمایل به حفظ نظام در عین اصلاح و کارآمدتر کردن آن است (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰: ۱۹۹ و ۱۸۹ و ۱۳۷).

پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، سال ۱۳۸۳

یافته‌های این پیمایش نیز نشان می‌دهد که بخش زیادی از پاسخگویان از اوضاع سیاسی کشور، «زیاد» رضایت نداشته‌اند. بر اساس این پیمایش، میزان رضایت از نظام سیاسی (زیاد، متوسط، کم) از نظر پاسخگویان به ترتیب ۱۵، ۴۷ و ۳۸ درصد بوده است. جالب اینکه نارضایتی سیاسی در میان جوانان به مراتب از بزرگسالان بیشتر است.

جدول ۲۴- میزان رضایت از اوضاع سیاسی کشور بر اساس سن و جنس

بزرگسال	میانسال	جوان	زن	مرد	کل	گروهها / میزان
۳۱	۳۶	۴۰	۳۷	۳۸	۳۸	کم
۴۶	۴۷	۴۷	۴۹	۴۵	۴۷	متوسط
۲۳	۱۶	۱۳	۱۴	۱۷	۱۵	زیاد

(منبع: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲ الف: ۸۳)

همچنین یافته‌های این پیمایش نشان می‌دهد که نزدیک به ۶۰ درصد از پاسخگویان با این گزینه موافق بوده‌اند که «مردم می‌ترسند از حکومت انتقاد کنند». این ترس در میان جوانان با حدود ۶۴ درصد از میانسالان و بزرگسالان به مراتب بیشتر بوده است. همچنین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در مقایسه با پیمایش سال ۱۳۸۰، از تعداد کسانی که مدافع وضع موجود بوده، کاسته شده و بر کسانی که مدافع اصلاح وضع موجود یا تغییر بنیادین نظام سیاسی بوده‌اند، افزوده شده است. این امر نشان می‌دهد که نگرش به اوضاع سیاسی کشور به تدریج منفی‌تر شده است.

جدول ۲۵- نگرش پاسخگویان به دفاع از نظام سیاسی

بزرگسال	میانسال	جوان	زن	مرد	کل	گروهها / وضعیت
۱۱	۸	۷	۹	۷	۸	دفاع از وضع موجود کشور
۷۲	۶۶	۶۲	۶۶	۶۴	۶۵	اصلاح وضع موجود
۱۷	۲۶	۳۱	۲۵	۳۰	۲۷	تغییرات بنیادین

(منبع: همان: ۲۰۴)

علاوه بر این یافته‌های این پیمایش نشان می‌دهد که اعتماد به نهادهای حکومتی هم چندان زیاد نیست. آمار به دست آمده از این پیمایش حاکی از آن است که میزان اعتماد زیاد، متوسط و کم به مجلس شورای اسلامی به ترتیب ۳۷، ۳۶ و ۲۷ درصد، به قوه قضائیه ۳۵، ۳۲ و ۲۹ درصد و به شورای نگهبان ۳۷، ۳۲ و ۳۰ درصد بوده است.

جدول ۲۶- میزان اعتماد به نهادهای حکومتی

میزان	کم	متوسط	زیاد
مجلس شورای اسلامی	۲۷	۳۶	۳۷
قوه قضائیه	۲۹	۳۲	۳۵
شورای نگهبان	۳۰	۳۲	۳۷

(منبع: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲: ب: ۲۵)

همچنین نتایج پیمایش دیگری در سال ۱۳۸۶ نشان می‌دهد که میزان اعتماد سیاسی پاسخگویان به نظام سیاسی، نهادهای سیاسی و کنشگران سیاسی (به صورت زیاد)، به ترتیب ۶۳، ۴۰ و ۴۲ درصد بوده است. به عبارت دیگر میزان اعتماد به اصل نظام سیاسی در حد متوسط به بالا و اعتماد به نهادهای سیاسی و کنشگران در حد متوسط به پایین بوده است.

جدول ۲۷- میزان اعتماد مردم به نظام، نهاد و کنشگران سیاسی

موضوع اعتماد	میزان	بسیار کم	کم	زیاد	بسیار زیاد	بی‌نظر
نظام سیاسی	۶	۱۴	۲۶	۳۷	۱۷	
نهادهای سیاسی	۱۴	۳۸	۲۶	۱۴	۸	
کنشگران سیاسی	۲۰	۳۱	۳۰	۱۲	۷	

(منبع: پناهی و شایگان، ۱۳۸۶: ۹۲)

پیمایش ملی فرهنگ سیاسی مردم ایران، ایسپا، سال ۱۳۸۵

در این پیمایش، شاخص‌های مختلفی سنجش شد که بخش زیادی از آن به ابعاد سیاسی و عملکرد دولت مرتبط می‌شود. در ادامه به برخی نتایج این پیمایش در سه بخش مشروعیت نظام، اعتماد به نظام (نهادهای و مسئولین)، امنیت سیاسی و ارزیابی عملکرد نظام پرداخته می‌شود.

پرتال جامع علوم انسانی

مشروعیت نظام

برای سنجش مشروعیت نظام، گزینه‌هایی چون برحق بودن نظام، پذیرش قانون اساسی و صلاحیت مسئولان نظام و... بررسی شد و نتایج پیمایش نشان می‌دهد که حدود دو سوم پاسخگویان، مشروعیت نظام را در حد زیاد می‌دانند. نکته مهم اینکه تعداد جوانانی که مشروعیت نظام را در حد زیاد قبول داشته‌اند، از بزرگسالان بسیار کمتر است (۶۳ به ۸۱).

جدول ۲۸- میزان مشروعیت نظام

بزرگسال	میان سال	جوان	زن	مرد	گروه‌ها	
					سطح	
۵	۹	۱۴	۱۰	۱۳	کم	
۱۳	۲۰	۲۲	۲۰	۹	متوسط	
۸۱	۷۰	۶۳	۷۰	۶۶	زیاد	

(منبع: ایسپا، ۱۳۸۵: ۱۰۶)

اعتماد به نهادها و مسئولین نظام

نتایج این بخش از پیمایش نشان می‌دهد که میزان اعتماد به نهادهای نظام سیاسی (مانند دادگستری، نیروی انتظامی، صدا و سیما، هیئت دولت، مراکز درمانی، آموزش و پرورش و...) در حد متوسط و میزان اعتماد به مسئولان نظام در حد کم است. نکته جالب اینکه در این دو شاخص، متغیر جنسیت چندان مؤثر نبوده است. یعنی بین زنان و مردان از نظر نوع نگرش، تفاوت چندانی وجود نداشته است. اما اعتماد به مسئولان نظام در میان جوانان در مقایسه با بزرگسالان تا حد زیادی کمتر بوده است.

جدول ۲۹- میزان اعتماد به نهادهای نظام سیاسی

بزرگسال	میان سال	جوان	زن	مرد	کل	گروه‌ها	
						سطح	
۳۰	۳۲	۳۱	۳۰	۳۳	۳۱	کم	
۴۹	۵۱	۵۳	۵۳	۵۰	۵۲	متوسط	
۲۱	۱۷	۱۶	۱۷	۱۷	۱۷	زیاد	

(منبع: همان: ۱۲۲)

جدول ۳۰- میزان اعتماد به مسئولان نظام

بزرگسال	میان سال	جوان	زن	مرد	کل	گروه‌ها / سطح
۳۷	۵۰	۵۲	۴۶	۵۲	۴۹	کم
۳۱	۲۶	۲۷	۲۹	۲۵	۲۷	متوسط
۳۳	۲۴	۲۱	۲۴	۲۳	۲۴	زیاد

(منبع: همان: ۱۲۹)

احساس پاسخ‌گویی مسئولین و امنیت سیاسی

برای سنجش امنیت سیاسی، دو گزینه «انتقاد بدون ترس از حکومت» و «انجام فعالیت سیاسی بدون ترس از حکومت» مورد نظر بوده و در سنجش پاسخ‌گویی، گزینه‌هایی چون امکان مؤاخذه مسئولان، پذیرش خطا و عذرخواهی ایشان و نیز رسیدگی عادلانه به خطای مسئولین از پاسخگویان سؤال شده است. یافته‌های هر دو بخش نشان می‌دهد که از نظر پاسخگویان، امنیت سیاسی در کشور و پاسخ‌گویی مسئولین در حد پایین است.

جدول ۳۱- نگرش شهروندان به میزان امنیت سیاسی و پاسخ‌گویی مسئولین

موضوع	میزان	کم	متوسط	زیاد
امنیت سیاسی	۱۴	۳۲	۵۴	
احساس پاسخ‌گویی	۵۶	۲۹	۱۵	

(منبع: ایسپا، ۱۳۸۵: ۱۲۶ و ۱۸۲)

ارزیابی عملکرد اقتصادی نظام

ارزیابی مردم از عملکرد اقتصادی نظام در نیمه دوم دهه ۱۳۸۰، تا حد بسیار زیادی تحت تأثیر اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها بوده است. در پیمایش سال ۱۳۸۶، نظر مردم در مورد عملکرد اقتصادی نظام با شاخص‌هایی چون توزیع عادلانه ثروت، بهتر شدن وضع اقتصادی اقشار کم‌درآمد و رشد اقتصادی سنجیده شده و نتایج آن نشان می‌دهد که بیش از ۶۰ درصد مردم، عملکرد اقتصادی نظام را قابل قبول ندانسته‌اند، اما با اجرای قانون هدفمند کردن یارانه و به‌ویژه پرداخت نقدی به تدریج نگرش مردم به اوضاع

اقتصادی کشور بهبود یافته است. هر چند ممکن است با گذشت زمان و ظهور و بروز برخی آثار و نشانه‌های تورمی ناشی از اجرا یا سوء اجرای این قانون، به تدریج نظر مردم نسبت به اجرای این قانون و پرداخت نقدی یارانه تحت تأثیر قرار گرفته و کاهش یابد.

به هر حال آنچه از اطلاعات موجود برمی‌آید، نگرش مردم به عملکرد اقتصادی نظام با اجرای این قانون بهبود زیادی یافته است. بر اساس نتایج نظرسنجی مرکز پژوهش‌های مجلس در سی استان کشور، ۳۲ درصد از پاسخگویان عملکرد اقتصادی دولت را موفق و ۳۴ درصد تا حدودی موفق دانسته‌اند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۹). بر اساس نتایج این نظرسنجی، ۵۷/۶ درصد پاسخگویان موافق پرداخت نقدی یارانه‌ها، ۲۴ درصد مخالف و ۱۷ درصد نیز بی‌نظر بوده‌اند (همان).

یافته‌های پیمایشی دیگر نیز که به صورت پراکنده دربارهٔ پرداخت نقدی یارانه‌ها انجام شده، نتایج پژوهش مرکز پژوهش‌های مجلس را تأیید می‌کند. به طور مثال یافته‌های یک نظرسنجی دیگر نشان می‌دهد که ۶۵ درصد از پاسخگویان شهری و ۷۱ درصد از پاسخگویان روستایی با پرداخت نقدی یارانه موافق بوده‌اند. همچنین از حیث رابطهٔ نگرش مردم به اوضاع اقتصادی کشور با شکاف‌های نسلی، جنسیتی، قومی و مذهبی، یافته‌ها حکایت از عدم ارتباط معنی‌دار میان این متغیرها دارد.

در مجموع در تحلیل بعد سیاسی وحدت ملی باید گفت: یافته‌ها نشان می‌دهد که برای درک میزان استحکام بعد سیاسی وحدت و همبستگی ملی، توجه به چند نکته ضروری است.

- مردم در مجموع نسبت به مشروعیت نظام و شالودهٔ اصلی آن نگرش مثبتی دارند.
- نگرش مثبت مردم به اصل نظام به معنای رضایت از عملکرد سیاستمداران، نهادها و رویه‌های سیاسی کشور نیست. اعتماد مردم به مسئولین، نهادهای سیاسی و عملکرد نظام برای ایجاد امنیت سیاسی و پاسخگویی در حد نازلی است.
- مردم نسبت به عملکرد اقتصادی نظام، نظر مثبتی ندارند، اما با اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها و پرداخت نقدی این نگرش به تدریج بهبود یافته،

هرچند ممکن است با گذشت زمان و ظهور و بروز نشانه‌های تورمی ناشی از اجرا یا سوء اجرای این قانون، این نگرش دچار شیب منفی شود.

- نگرش مردم به مشروعیت نظام و عملکرد سیاسی و اقتصادی کشور به صورت معناداری تحت تأثیر مؤلفه‌های نسلی، جنسیتی، قومی و مذهبی نیست و نگرش بخش‌های مختلف مردم در این خصوص فاصله و شکاف زیادی ندارد.

نگاهی به نتایج پژوهش‌هایی که در مناطق قومی کشور انجام شده نیز نشان می‌دهد که نارضایتی اصلی مردم در این مناطق از عملکرد نادرست اقتصادی و سیاسی نظام است و این امر نگرش و انگاره‌های ایشان را دربارهٔ هویت قومی و هویت ملی تحت تأثیر قرار داده است. به طور مثال نواح، قیصری و نقی نسبت در پیمایشی که در مورد عرب‌های ساکن اهواز در سال ۱۳۸۶ انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که «احساس محرومیت نسبی سیاسی» و «احساس محرومیت نسبی اقتصادی»، متغیرهایی هستند که بیش از سایر عوامل بر تقویت هویت قومی پاسخگویان مؤثر بوده است.

یافته‌های این پیمایش، رابطهٔ هویت قومی و هویت ملی را در میان مخاطبان چندان مثبت ندانسته است. به عبارت دیگر در این منطقه به هر میزان که هویت قومی پاسخگویان افزوده شد، هویت ملی‌شان کم‌رنگ‌تر شده است. همچنین رابطهٔ متغیرهایی چون «احساس محرومیت نسبی اقتصادی» استان خوزستان، «نگرش به معیشت قوم عرب»، «نگرش به بیکاری قوم عرب» با هویت قومی «مثبت» و متغیرهایی چون «امیدواری نسبت به آیندهٔ ایران»، «رضایت از عملکرد سازمان صدا و سیما»، «رضایت از نظام سیاسی»، «مشارکت در امور سیاسی» با هویت قومی «منفی» بوده است.

جدول ۳۲- رابطه متغیرهای سیاسی و اقتصادی عرب‌ها با هویت قومی

B	R	متغیر
-۰/۳۸	۰/۵۸۶	هویت قومی و هویت ملی
+۲/۹۲	۰/۴۱۹	هویت قومی و گرایش به خودمختاری
+۰/۲۸۶	۰/۴۱۳	هویت قومی و گرایش به خشونت
+۱/۰۳	۰/۵۵۶	احساس محرومیت نسبی اقتصادی استان
+۰/۱/۳	۰/۵۳۸	نگرش به معیشت قوم عرب
+۱/۲۸	۰/۵۲۹	نگرش به بیکاری قوم عرب
+۰/۷	۰/۲۹۹	احساس تبعیض در دسترسی به مشاغل
-۰/۷۱۷	۰/۴۶۹	امیدواری نسبت به آینده ایران
-۰/۷۱	۰/۳۹	رضایت از رسانه ملی
-۱/۲۱۴	۰/۵۹۹	رضایت از نظام سیاسی
-۰/۱۸۷	۰/۱۱۱	مشارکت در امور سیاسی
-۱/۱۲	۰/۵۹۷	احساس محرومیت نسبی در بعد سیاسی

(منبع: نواح و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۵)

یافته‌های جدول بالا نشان می‌دهد که به هر میزان که هویت قومی اعراب خوزستان تقویت شود، هویت ملی تضعیف و گرایش به خشونت و خودمختاری بیشتر می‌شود و آنچه باعث تقویت هویت قومی در این منطقه شده، عمدتاً متأثر از محرومیت یا احساس محرومیت مردم در عملکرد اقتصادی نظام و نیز عدم رضایت از عملکرد سیاسی آن است.

نسبت شکاف‌های اجتماعی با بعد فرهنگی وحدت ملی

بعد فرهنگی همبستگی ملی مشتمل بر مواردی چون تاریخ مشترک، زبان رسمی و محلی، آداب و رسوم و رسانه است. به عبارت دیگر در این تعریف، فرهنگ به معنای کلی آن تعریف شده است. در ادامه به یافته‌های برخی از پژوهش‌های کشور درباره مؤلفه‌های یادشده اشاره می‌کنیم تا میزان قوت و استحکام بعد فرهنگی وحدت ملی در کشور نمودار شود.

تاریخ مشترک

تقریباً در تمامی پژوهش‌های انجام شده، اکثر پاسخگویان به داشتن تاریخ مشترک برای همه ایرانیان اعتقاد داشته‌اند. به عنوان نمونه در پژوهش «مروت و باغبانیان» درباره نگرش دانشجویان منطقه یازده دانشگاه آزاد اسلامی در مورد اتحاد ملی و انسجام اسلامی، اکثر پاسخگویان با گزینه‌هایی که ناظر به وجود تاریخ مشترک ایرانی و اسلامی برای ایرانیان بوده است، موافق بوده‌اند. جالب اینکه پاسخگویان این پژوهش که در سال ۱۳۸۸-۱۳۸۹ انجام شده، عمدتاً (۷۱ درصد) کرد بوده‌اند.

جدول ۳۳- نظر پاسخگویان در مورد تاریخ مشترک ایرانیان

ردیف	گزینه	موافق و کاملاً موافق	تا حدودی موافق	مخالف و کاملاً مخالف	بدون نظر
۱	همه جای ایران وطن من است	۸۱	۱۱	۸	۰
۲	همه اقوام ایران، سابقه تاریخی واحد دارند	۷۴	۱۴	۵	۷
۳	اعتقاد به برخورداری ایرانیان از فرهنگ و تاریخ مشترک اسلامی	۶۸	۱۷	۱۵	۰

(منبع: مروت و باغبانیان، ۱۳۹۰: ۱۰۸)

زبان فارسی

همان‌گونه که در بخش‌های پیشین پژوهش اشاره شد، زبان فارسی یکی از مهم‌ترین عوامل و نمادهای همبستگی و وحدت ملی در ایران است. همچنین زبان فارسی علاوه بر ایفای نقش رسمی رابطه حکومت و جامعه به عنوان زبان ملی، نقش زبان میانجی میان همه اقوام ایرانی را نیز ایفا می‌کند. به عبارت دیگر اقوام ایرانی از طریق این زبان با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. نکته قابل توجه اینکه رسمیت داشتن زبان فارسی در ایران در اکثر مواقع تاریخی نافی حفظ و گسترش زبان‌های محلی نبوده است. به عبارت دیگر در چارچوب سیاست فرهنگی کثرت در عین وحدت در کنار حفظ و تقویت زبان فارسی به عنوان زبان رسمی (ملی)، زبان‌های محلی نیز حفظ و تقویت شده است.

این سیاست و رویکرد به نحو جامعی در اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بازتاب یافته است. به لحاظ تاریخی نیز زبان فارسی هیچ‌گاه زبان تحمیلی به اقوام ایرانی نبوده، بلکه یکی از نمادهای همسازی عناصر هویت ملی بوده است. به طور مثال زبان فارسی در تلفیق فرهنگ ایرانی و اسلامی نقش مؤثری داشته است، زیرا در عین حفظ اصالت ملی ایرانیان، خدمات شایانی در گسترش دین اسلام و حتی زبان عربی ایفا کرده است که این امر از قوت و غنای این زبان حکایت می‌کند. همچنین زبان فارسی در مقاطع مختلف تاریخی عامل پیوند گروه‌ها، احزاب و اقوام و مذاهب مختلف و خلق حماسه‌های تاریخی در ایران بوده است. از این‌رو می‌توان زبان فارسی را از مؤلفه‌های اساسی بعد فرهنگی وحدت ملی به شمار آورد.

یافته‌های پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که نگرش بخش‌های مختلف جامعه در مورد این زبان، مثبت است و به جز در موارد خاصی که به دلیل اتخاذ سیاست‌های غلط فرهنگی، توسعه و تقویت زبان فارسی به تضعیف زبان‌های محلی و قومی منجر شده، زبان فارسی در میان همه اقوام ایرانی جایگاه مناسبی دارد. به عنوان نمونه در پژوهش مروت و باغبانیان، اکثر پاسخگویان با این گویه که «زبان فارسی رمز هویت ملی است» موافق بوده‌اند. در عین حال پاسخگویان در سطح بسیار بالایی بر این عقیده بوده‌اند که نباید به سایر هم‌میهنان توهین کرد و احساسات سایر اقوام را جریحه‌دار نمود. جالب اینکه اکثر پاسخگویان این پژوهش، کرد بوده‌اند.

جدول ۳۴- نگرش دانشجویان به زبان فارسی و زبان‌های محلی

بی‌نظر	مخالف و کاملاً مخالف	تا حدودی موافق	موافق و کاملاً موافق	گویه
۰	۱۶	۲۴	۷۰	زبان فارسی رمز هویت ملی ماست
۴	۳	۶	۸۷	نباید به سایر هم‌میهنان توهین کرد
۰	۶	۹	۸۵	نباید احساسات سایر اقوام را جریحه‌دار کرد

(منبع: مروت و باغبانیان، ۱۳۹۰: ۱۰۸)

رسانه‌ها

تحولاتی که در دهه‌های اخیر در زمینه ارتباطات رخ داده، نقش رسانه‌های داخلی و خارجی را در تقویت یا تضعیف هویت ملی و همبستگی ملی افزایش داده است. رسانه‌ها با انعکاس اخبار و تحولات و نیز ارائه تفاسیر و تحلیل‌های مختلف در شکل‌دهی به افکار عمومی، نقش مؤثری دارند. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان رسانه‌ها را به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم کرد. با عنایت به اینکه بخش زیادی از رسانه‌های داخل به نوعی به دولت وابستگی دارند، نقش‌آفرینی این رسانه‌ها عمدتاً در جهت تقویت همبستگی ملی بوده یا حداقل سیاست‌های کلان و برنامه‌های اصلی آن در این جهت طراحی شده است. اذعان به این نکته به معنای غفلت از ضعف سیاست‌ها و عملکرد رسانه‌های دولتی در تقویت همبستگی ملی نیست، زیرا موارد متعددی وجود دارد که برخی رسانه‌های وابسته به دولت و در جهت تضعیف وحدت ملی ایفای نقش کرده‌اند. به عنوان مثال چاپ کاریکاتور توهین‌آمیز روزنامه ایران در سال ۱۳۸۴ و یا نحوه بازتاب زلزله اخیر (سال ۱۳۹۱) آذربایجان شرقی در رسانه ملی، باعث تحریک شکاف قومی در جهت تضعیف شالوده‌های همبستگی ملی در کشور شد.

در مورد نقش رسانه‌های داخلی غیر وابسته به دولت مانند برخی روزنامه‌ها، وبلاگ‌ها و سایت‌های اینترنتی درباره وحدت و همبستگی ملی، می‌توان گفت به جز در موارد خاصی که این رسانه‌ها به گروه‌های گریز از مرکز وابستگی یا گرایش دارند، نقش‌آفرینی این رسانه‌ها در جهت تقویت همبستگی ملی بوده است؛ زیرا عمده اختلاف این رسانه‌ها با دولت بر سر موضوعات سیاسی و اقتصادی است و در مواردی که به کلیت ایران مربوط می‌شود، اختلاف نظرها کمتر مشاهده می‌شود. به طور مثال موضع‌گیری رسانه‌های داخلی غیر دولتی در حمایت از «خلیج فارس» و بسیج افکار عمومی برای مقابله با اقدامات معطوف به تضعیف همبستگی ملی و نقض تمامیت ارضی کشور در بسیاری از موارد به مراتب از رسانه‌های دولتی بهتر بوده است.

در مورد نقش رسانه‌های خارجی اعم از سایت‌های اینترنتی وابسته به گروه‌های خارجی، شبکه‌های ماهواره‌ای و... در تضعیف یا تقویت وحدت ملی، نظرات مختلفی وجود دارد و پیمایش‌هایی که در این باره صورت گرفته، به نتایج تاحدودی متفاوت

دست یافته است. نتایج برخی از این پیمایش‌ها، نقش این رسانه‌ها را در وحدت ملی منفی ارزیابی کرده و معتقدند گسترش ارتباطات و توسعه رسانه‌های بین‌المللی در عصر جهانی‌شدن، هویت‌های فروملی و قومی را تقویت کرده است. به عنوان مثال نواح و همکارانش در پژوهش خود در مورد عرب‌های ساکن اهواز در تحلیل نهایی چندمتغیره خود از داده‌های به دست آمده به این نتیجه رسیده‌اند که استفاده از رسانه‌های سیاسی خارجی باعث افزایش هویت قومی عرب‌های ساکن اهواز شده و همزمان با افزایش هویت قومی، هویت و همبستگی ملی کاهش یافته است (نواح و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۴).

در نقطه مقابل این پژوهش، سحابی و آقابیک‌پوری در پژوهش خود در مورد تأثیر بعد فرهنگی جهانی‌شدن بر هویت قومی جوانان شهر بوکان به این نتیجه رسیده‌اند که بین تأثیرپذیری مخاطبان از بعد فرهنگی جهانی‌شدن و افزایش سطح آگاهی ایشان با هویت قومی، رابطه معکوسی وجود دارد. به عبارت دیگر تأثیرپذیری مخاطبان از بعد فرهنگی جهانی‌شدن باعث تضعیف هویت قومی ایشان شده و متناسب با هر واحد افزایش آگاهی جهانی فرد، به میزان ۰/۶۳۸ واحد از هویت قومی وی کاسته شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد هرچه ارتباطات جهانی توسعه یابد، از درجه هویت قومی فرد کاسته می‌شود و ضریب همبستگی در متغیر ارتباطات جهانی و هویت قومی ۰/۳۰۶- است. (سحابی و آقابیک‌پوری، ۱۳۸۹: ۱۳۵-۱۵۳).

درباره متغیر سن و جنس نیز به نظر می‌رسد تأثیرگذاری رسانه‌های خارجی بر نگرش مخاطبان نسبت به وحدت و همبستگی ملی چندان زیاد نیست. با وجود گسترش سایت‌های اینترنتی و دسترسی به شبکه‌های ماهواره‌ای و نیز علی‌رغم اینکه جوانان یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین مخاطبان و کاربران این رسانه‌ها بوده‌اند، نتایج پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که تأثیرگذاری این رسانه‌ها بر ذهن و نگرش جوانان به ابعاد و مؤلفه‌های مختلف وحدت ملی، چندان زیاد و چشمگیر نبوده است. البته اذعان به این نکته به معنای غفلت از نقش و تأثیر این رسانه‌ها بر ساحت‌های دیگر حیات سیاسی و اجتماعی نیست، بلکه بدان معناست که استحکام نگرش جوانان به همبستگی ملی به حدی است که رسانه‌های خارجی نتوانسته‌اند ایشان را نسبت به مسائل حساسی چون تمامیت ارضی کشور و حمایت از حفظ نمادهای ملی مانند خلیج فارس بی‌تفاوت کند.

این موضوع در مورد زنان نیز تا حد زیادی صادق است. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنان تحت تأثیر فضای سایبری هستند، اما جهت این تأثیرپذیری در راستای تضعیف هویت سنتی و پایه‌ی زنان به صورت فراگیر نبوده، بلکه این تأثیر عمدتاً در جهت پیگیری حقوق شهروندی و دستیابی به حقوق برابر با مردان و اصلاح قوانین و سیاست‌ها برای برقراری عدالت جنسیتی بوده است. به عنوان نمونه پیشگاهی فرد و همکارانش در پژوهش خود در زمینه تأثیر فضای سایبر بر هویت زنان ایران، به این نتیجه دست یافته‌اند که برخلاف فرض اولیه که مدعی بود تعامل زنان در فضای سایبر باعث دور شدن زنان از هویت‌های سنتی خود شده، فضای سایبر در مواردی چون آشنایی زنان با حقوق خود، عضویت در سایت‌های مربوط به زنان و تلاش در جهت دستیابی به یک همبستگی و وحدت فکری، ایجاد اشتغال و بازاریابی اینترنتی، ابراز عقاید خود برخلاف گذشته در سایت‌های اینترنتی بر هویت سنتی زنان تأثیرگذار بوده، اما در مواردی چون استفاده از مدهای اینترنتی، دوست‌یابی، مسائل جنسی و پیگیری اخبار زنان، نتوانسته بر هویت سنتی زنان تأثیرگذار باشد. در نتیجه تأثیرپذیری هویت سنتی زنان از فضای مجازی و سایبری امری نسبی بوده است (پیشگاهی فرد و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۸۹-۲۰۲).

با عنایت به مطالب یادشده می‌توان ادعا کرد که تأثیرگذاری رسانه‌های خارجی بر نگرش جوانان و زنان به وحدت و همبستگی ملی چندان زیاد نبوده و این موضوع در مورد اقوام ایرانی در مناطق مختلف کشور و نیز در یافته‌های پژوهش‌های مختلف متفاوت است. در مجموع می‌توان این ادعا را مطرح کرد که در حوزه رسانه‌ای، تأثیرپذیری جوانان، زنان و اقوام ایرانی در جهت تضعیف مؤلفه‌های وحدت و همبستگی ملی عمدتاً تحت تأثیر رسانه‌های داخلی بوده و نه رسانه‌های خارجی. شاید یکی از دلایل اصلی این موضوع به وابسته بودن رسانه‌های داخلی به دولت و حساسیت بخش‌های مختلف جامعه به عملکرد و کارآمدی دولت در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بازمی‌گردد. به عبارت دیگر ممکن است در برخی مقاطع زمانی نارضایتی جوانان، زنان یا اقوام ایرانی از عملکرد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دولت، در ساحت‌هایی که اجماع ملی در مورد آنها وجود دارد، ظهور و بروز یابد که شاید در شرایط عادی و در فضای اعتماد دولت و ملت این امر ممکن بود اتفاق نیفتد.

نکته دیگری که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد اینکه هویت و همبستگی ملی در ایران، ماهیتی متکثرگونه دارد. به عبارت دیگر وحدت ملی در ایران وحدتی است در عین کثرت. به همین دلیل، تقویت نگرش‌های محلی و قومی در کشور الزاماً به تضعیف همبستگی ملی منجر نمی‌شود. یافته‌های پیمایش‌های زیادی نشان می‌دهد که تقویت هویت‌های محلی و قومی نه تنها در جهت تضعیف وحدت و همبستگی ملی نبوده، بلکه در مواردی باعث تقویت آن نیز شده است. به عنوان نمونه یافته‌های پژوهش پاینده و جعفرزاده‌پور در موارد جوانان دهدشت نشان می‌دهد که تقویت هویت قومی پاسخگویان که اکثراً از قوم لر بوده‌اند، باعث تقویت هویت ملی شده است (پاینده و جعفرزاده‌پور، ۱۳۸۹: ۱۰۱-۱۲۲).

بر همین اساس است که برخی از پژوهشگرانی که درباره تأثیر جهانی شدن بر هویت‌های محلی قلم زده‌اند، از تأثیر جهانی شدن بر تضعیف هویت‌های محلی و قومی ابراز نگرانی کرده و آن را نامطلوب دانسته‌اند. به عنوان نمونه محبی و همکاران در پژوهش خود درباره تأثیر جهانی شدن بر هویت محلی و جهانی دانشجویان دانشگاه تبریز، به این نتیجه رسیده‌اند که با افزایش هویت جهانی دانشجویان ترک، فارس و کرد دانشگاه تبریز، هویت محلی آنها کاهش یافته است. آنها در نتیجه‌گیری عنوان کرده‌اند که حکومت در مقایسه با سایر نقاط جهان به خوبی نتوانسته است از فرصت فراروی هویت‌های محلی استفاده کند، به گونه‌ای که با وجود بالا بودن هویت محلی در میان پاسخگویان، باز این خطر وجود دارد که با افزایش فناوری‌های ارتباطی جهانی در این منطقه، هویت‌های محلی به سستی بگرایند. بنابراین «پیشنهاد می‌شود دست‌اندرکاران با بازاندیشی در سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی بپردازند» (محبی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۰۱-۱۲۱).

نگرش یادشده ناظر بر این نکته است که در تحلیل نقش‌آفرینی بعد فرهنگی و رسانه‌ای جهانی شدن بر هویت و وحدت ملی باید در نظر داشت تا زمانی که تقویت گرایش‌های فروملی و محلی باعث تضعیف هویت ملی نشود، نه تنها تهدیدی برای وحدت و همبستگی ملی نیست، بلکه می‌تواند باعث تقویت آن شود. به عبارت دیگر در سیاست‌گذاری‌های کلان معطوف به هویت و وحدت ملی و نیز در رابطه با جهانی شدن باید خصلت «انعطاف‌پذیری» و «وحدت در عین کثرت» هویت ملی مدنظر قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

آنچه در این مقال گذشت ناظر به تحلیل نگرش مردم به‌ویژه بخش‌های متناظر با شکاف‌های نسلی، جنسیتی، قومی و مذهبی در رابطه با مؤلفه‌ها و ابعاد وحدت و همبستگی ملی بود. به طور کلی می‌توان یافته‌های این بررسی را به صورت زیر خلاصه و جمع‌بندی کرد:

- نگرش مردم و بخش‌های متناظر با شکاف‌های نسلی، جنسیتی، قومی و مذهبی به بُعد دینی وحدت ملی در حد مطلوب است، هر چند در ابعاد مختلف دین‌داری و هویت این مردم به چشم می‌خورد.
- نگرش مردم و بخش‌های متناظر با شکاف‌های نسلی، جنسیتی، قومی و مذهبی به بعد جغرافیایی و سرزمینی وحدت و همبستگی ملی در حد بالا و مطلوبی است.
- نگرش مردم و بخش‌های متناظر با شکاف‌های نسلی، جنسیتی، قومی و مذهبی به بعد اجتماعی وحدت و همبستگی ملی در سه شاخص اعتماد عمومی، عدالت اجتماعی و مشارکت در نهادهای مدنی و صنفی در سطح رضایت‌بخشی نیست.
- نگرش مردم و بخش‌های متناظر با شکاف‌های نسلی، جنسیتی، قومی و مذهبی به بعد سیاسی وحدت و همبستگی ملی در مجموع مثبت نیست، اما این نگرش منفی معطوف به اصل نظام سیاسی نیست و عمده نگرش منفی به عملکرد سیاسی و کارآمدی نظام در بخش‌های اقتصادی بازمی‌گردد.
- نگرش مردم و بخش‌های متناظر با شکاف‌های نسلی، جنسیتی، قومی و مذهبی به بعد فرهنگی وحدت و همبستگی ملی در سه شاخص زبان فارسی، تاریخ مشترک و رسانه در مجموع مثبت و رضایت‌بخش است، هر چند در مورد جزئیات آن تأملاتی وجود دارد.
- عمده نارضایتی مردم که باعث ایجاد اختلال در مؤلفه‌های وحدت و همبستگی ملی می‌شود، معطوف به عملکرد دولت در بخش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که غفلت از آنها برای آینده کشور بسیار خطرناک خواهد بود.

- نگرش بخش‌های متناظر با شکاف‌های نسلی، جنسیتی، قومی و مذهبی به مؤلفه‌های وحدت و همبستگی ملی در مواردی متفاوت است، اما در مجموع میان بخش‌های مختلف فوق با یکدیگر از یک طرف و بین این بخش‌ها با کل جامعه تفاوت‌ها، زیاد و معنادار نیست. به عبارت دیگر عمده نارضایتی‌ها در سه سطح ملی است که گاه در بخش‌های خاصی ظهور و نمود ویژه می‌یابد. با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت وحدت و همبستگی ملی در ایران، استحکام مناسبی دارد. از طرف دیگر شکاف‌های اجتماعی در ایران، شکاف‌های فعالی نیستند و بین دو سر طیف شکاف‌های نسلی، جنسیتی، قومی و مذهبی در اکثر موضوعات کلان جامعه و نیز شاخص‌های معطوف به ابعاد مختلف همبستگی ملی، اختلاف نظر جدی وجود ندارد. اذعان به این حقیقت به معنای انکار یا غفلت از زمینه‌های تهدیدزا برای همبستگی ملی نیست. به طور مشخص در ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، قرائن و شواهدی از زمینه‌های تهدیدزا به چشم می‌خورد که بی‌توجهی به آنها ممکن است برای وحدت ملی خطرآفرین باشد. نارضایتی از عملکرد سیاسی دولت، مسئولین و نهادهای سیاسی کشور، بی‌عدالتی و تبعیض اجتماعی، گسترش روزافزون بی‌اعتمادی در جامعه، نقدناپذیری مسئولین و عدم پاسخگویی شفاف و مسئولانه به مطالبات مردم، بی‌توجهی به اجرای برخی از اصول قانون اساسی به‌ویژه اصولی که صراحتاً حقوق فرهنگی و اجتماعی برای مردم به‌ویژه اقلیت‌های مذهبی و اقوام ایرانی در نظر گرفته است، بخشی از مواردی است که ممکن است تشدید آنها به واگرایی سیاسی در کشور منجر شود.

یافته‌های این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که شکاف‌های نسلی، جنسیتی، قومی و مذهبی، شکاف‌های فعالی در کشور نیستند، اما شکافی که در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بین دولت و ملت وجود دارد، شکاف فعالی است که ممکن است موجب تحریک و بسیج سایر شکاف‌های اجتماعی شود. در این میان به نظر می‌رسد ارتقای کارآمدی دولت، زمینه‌سازی برای افزایش مشارکت بخش‌های مختلف جامعه در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کشور، افزایش نقدپذیری و ارتقای سطح تحمل سیاسی مسئولین نظام و استفاده از ظرفیت‌های منتقدان و مخالفان، از جمله مواردی است که می‌تواند زمینه‌های تقویت و استحکام وحدت ملی را در کشور فراهم

تبیین نسبت شکاف‌های اجتماعی و وحدت ملی در ایران / ۲۱۰

کند. اتکا به گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان مخرج مشترک اعتقادات و باورهای دینی و سیاسی مردم و گروه‌های سیاسی و تحقق اصول مغفول قانون اساسی می‌تواند ضامن تقویت همبستگی ملی در کشور باشد و الگویی الهام‌بخش برای کشورهای منطقه به‌ویژه کشورهای دستخوش تحولات پرشتاب عرضه کند.



منابع

- احمدی، حمید (۱۳۸۶) «اتحاد ملی، هویت ملی و ضرورت بازسازی آن در ایران»، مجموعه مقالات همایش ملی اتحاد ملی؛ راهبردها و سیاست‌ها، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- افروغ، عماد (۱۳۸۳) «نسبت میان هویت ملی و هویت دینی»، فرهنگ و اندیشه، شماره ۱۴۷۶.
- ایسپا (۱۳۸۵) پیمایش ملی فرهنگ سیاسی مردم ایران موج اول، مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲) جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نی.
- پاینده، محبوبه و فروزنده جعفرزاده‌پور (۱۳۸۹) «بررسی رابطه میزان هویت ملی و قومی در بین جوانان دهدشت»، فصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره پنجم، پائیز و زمستان.
- پناهی، محمدحسین و فریبا شایگان (۱۳۸۶) «اثر میزان دین‌داری بر اعتماد سیاسی»، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۳۷.
- پیشگاهی فرد و دیگران (۱۳۸۹) «تعامل در فضای سایبر و تأثیر آن بر هویت زنان در ایران (مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه تهران)»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۸، شماره ۲.
- سحابی، جلیل و هاشم آقابیک پوری (۱۳۸۹) «بررسی تأثیر بعد فرهنگی جهانی شدن بر هویت قومی (مطالعه موردی: جوانان ۱۵-۲۹ سال شهر بوکان)»، مطالعات ملی، پاییز ۴۱، سال ۱۱، شماره ۱.
- سراج‌زاده، سید حسین و جمال ادهمی (۱۳۸۷) بررسی تفاوت‌های قومیتی دانشجویان از نظر فعالیت در کانون‌های فرهنگی دانشگاه‌ها، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۲.
- کاویانی‌راد، مراد (۱۳۸۶) «ناحیه‌گرایی سیاسی در ایران (مطالعه موردی: بلوچستان)»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۵، بهار، صص ۸۹-۱۲۰.
- کشاورز، امرالله و دیگران (۱۳۸۳) «نظرسنجی از مردم تهران درباره اعتمادشان به یکدیگر»، مرکز تحقیقات و سنجش برنامه‌ای سازمان صدا و سیما، شماره ۱۴۷.
- قنبری برزبان، علی و فروزنده جعفرزاده پور (۱۳۹۰) «قدرت هویت ایرانیان»، مطالعات ملی، سال ۱۲، شماره ۴، پاییز ۴۸.
- ماژرزاک، آن (۱۳۷۹) روش‌های سیاست‌پژوهی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، تبیان.
- محبی، اکرم و دیگران (۱۳۸۹) «جهانی شدن و هویت‌های محلی و جهانی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه تبریز)»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره ۲.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۹) «وضعیت عمومی جامعه، عملکرد نهادهای حکومتی (نتایج نظرسنجی از شهروندان ۳۰ مرکز استان)»، کد موضوعی ۲۹۰، شماره مسلسل ۱-۱۰۶۴۴۱.

تبیین نسبت شکاف‌های اجتماعی و وحدت ملی در ایران / ۲۱۲

مروت، برزو و مصطفی باغبانیان (۱۳۹۰) «بررسی نگرش دانشجویان منطقه یازده دانشگاه آزاد اسلامی به اتحاد ملی و انسجام اسلامی»، مطالعات ملی، سال ۱۲، پیاپی ۴۸، شماره ۴.

نواح، عبدالرضا و دیگران (۱۳۸۹) «آسیب‌شناسی مسائل قومی در ایران (مطالعه موردی: عرب‌های ساکن شهرستان اهواز)»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره سوم، شماره ۳.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۰) ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، دفتر انتشارات طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها.

----- (الف) ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، دفتر انتشارات طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها.

----- (ب) جنسیت و نگرش اجتماعی، کارگاه تحلیل یافته‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها.

----- (پ) ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج دوم)، یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور، دفتر انتشارات طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها.

